

عیدما



سقز  
کوردی  
تئاتر  
جشنواره ی  
مین

Festival  
Theater  
Kurdish  
Saqqez  
th



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# هه‌ما

ویژه نامه ی یازدهمین جشنواره ی تئاتر کردی سقز

Bulletin of Eleventh Saqqez Kurdish Theater Festival

**Managing Director** ● Hiva Hajimohammadi

**Chif Clerk** ● Saman Seyed Ebrahimi

**Editorial Board** ● Zahed Armi

Hemn Heidari

Kavan Fathi

Parviz Ahmadi

Amir Zarezade

**Layout and Designer** ● Zhila Rahimi

Mohammad Rahimi

**Editors** ● Zahed Armi

Saman Seyed Ebrahimi

**Reporter** ● Kamal Nojavan

**Newsriter** ● Omid Nickrozh

Omid Mostafaei

**Photographers** ● Khaled Saeidpoor

Hero Shemshadi

**Typists** ● Eqbal Rashidi

مدیر مسئول ● هیوا حاجی محمدی

سر دبیر ● سامان سید ابراهیمی

هیئت تحریریه ● زاهد آرمی

همین حیدری

کاوان فتحی

پرویز احمدی

امیر زارع زاده

طراح و گرافیسٲ ● ژیلای رحیمی

محمد رحیمی

ویراستاران ● زاهد آرمی

سامان سید ابراهیمی

گزارشگر ● کمال نوجوان

خبرنگار ● امید نیکروز

امید مصطفایی

عکاس ● خالد سعیدپور

هیرو شمشادی

تایپیسٲ ● اقبال رشیدی





پدلی هنرهای نمایشی پدلی بسیار رسایی است که در رساندن پیام از بقیه مقوله های هنر پدید آید و جذابیت آن است.  
 معاونت جمهوری اسلامی ایران ، حضرت امام خمینی (ره)



تئاتر در جمهوری اسلامی ایران ، اصالت والای خود را در بیان دردها و بازگویی قصه های مظلومیت بشریت در بند ، می یابد ،  
 مقام معظم رهبری ، حضرت آیت الله خامنه ای



هنرمندان و فرهنگ دوستان باید با بهترین شعرها، داستانها، تئاتر، فیلم، مجسمه و موسیقی به همه ی دنیا بگویند که صدای مردم  
 ایران صدای دوستی، صلح و برادری است ،  
 رئیس جمهوری اسلامی ایران ، دکتر حسن روحانی

# عَدِمَا

وبژه نامه ی یازدهمین جشنواره ی تئاتر گره ی سبز



## فهرست

- ۱ • پیام معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و استاندار کردستان
- ۲ • پیام نمایندگی سقز و بانه در مجلس شورای اسلامی و فرماندار ویژه سقز
- ۳ • پیام مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان و شورای شهر و شهرداری سقز
- ۴ • پیش‌درآمدی بر روند برگزاری جشنواره
- ۵ • معرفی گروه‌های شرکت‌کننده
- ۲۴ • معرفی هیئت داوران
- ۲۷ • جشنواره از نگاه هیما
- ۴۲ • جشنواره به روایت تصویر
- ۴۴ • اعضای ستاد برگزاری جشنواره





### سیر مقاله

توضیح اجباری شد که آغازین بخش ویژه نامه، سرانجام نوشته شود، هر چند که از ابتدا دیر آغاز کردیم و درانتها زود پایان دادیم؛ اما خاطراتمان سوار بر قناری لحنی است، بیانی می رود که به ایستگاه دوازدهم برسد، خداوند پشت و پناهنان مسافران سرزمین هنر، به دیارتان که رسیدید، به جشن آبی بیاندیشید، به جشنی که همه باشند، جشنی در راستای هنر نثار در این سرز و بوم، به جشنواره های بیاندیشیم که - پیش - داوری نکنیم، که داوران مریبمان باشند، که هنر عدلند، هنرمندی هنرمندان را نمایش دهیم، نثار کوردی را ریشه های لغوی نکنیم، ریشه هایش را آبیاری کنیم تا نه اش توان تحمل ثمر پر بارش را داشته باشد؛ که میوه اش به گام نثار شیرین بیاید و شیرینی اش زهر زبان دنیا ماندگار.

بر خود لازم می بینم به نیت از اعضای دیر خاندی دایمی جشنواره ی نثار کوردی سقز، مفتخر شوم به افتخار دیدن تان و سیاس بی مثال نثار تان کنیم؛ سیاسی برای داوران خوش طینتستان که خوش کردند محفل جشن مان را، سیاس برای مهمانان بزرگوار که کاستی ها را گوشزد کردند، نه گوشمال، سیاس برای هنرمندان ساعی که لیاقتشان را عرضه کردند، نه عرض اندام، سیاس برای هم شهریان فهیم که درس انتظار را هجی کردند و سیاس برای ستاد برگزاری جشنواره که خواست آباد باشیم و از هنر نثار لذت ببریم.

سامان سیدابراهیمی

### سروقتار

ناخبری بهی صبر نه ای تا به تمامه که نو سرا، گهرچی سمره تا درهنگ دستمان پیکرد و له کوتاییدا زوو تو او مان کرد؛ به لام بیره وهریه کانمان سواری قناری چیر که سانه گار، بدیده و بی نو وستان دهر و ات که خوی بگه به نیت و بستگی دوازده هم. خوا دستی به بال تانه و بیت هی ریو ارانی ولانی هونر. که گه پیشه و شار و گو ندی خوتان، پر له چیزی داهاتوو بگه نوه که هم مو ان هین، چیزی له پیناو بهرز کرده ی ناستی هونری شانو له ولاته که ماندا. پر له چیزی بگه نوه که - پیش - داوری نه که یین، که داو ره کانمان بینه راه پنه و فیر کاری هونر مه نه کانمان. تا به شیوازیکی هونریانه، کاره هونر یه سوانه کانی هونر مه نه کانمان بو نین. کارمان به سر دوزینه و هی ره گ و ریشه ی ده سه واژه ی شانوی کوردیه و نه بی، ره گ و ریشه کانی پارو که یین تا باوقدی هیز و نوای هه لگر نی بهره زور و ره نگینه که ی هه بی؛ که بهره که ی به ده می خوش بیت و خوشیه که شی له دل و ده می دنیا دا هه تاهه تایی بی. به هر گی سمر شانی خومی ده زانم له لایه ن نندامانی نوو بستگی فستیوالی شانوی کوردی سه قزه و، سه ره رزم به هانتان و سه ری ریز و بیژانستان بو داد هونیم؛ سیاس بو داو ره دلچا که کانمان که گوره که یان راز اندیه و. سیاس بو نه و میوانانه ی به بیر هینه و هی که مو کووپیه کانمان ناوی گویان دایه و. سیاس بو هونر مه ندانی تیکوشه که هانووون بو پیشکه شکر دنی توانای خویان، نه ک خو هه لکیشان. سیاس بو هاوشاریانی تیگه شترو مان که ده ری چاو و انیان بو دادین و سیاس بو ده سه ی بهر یو به راه ی تی فستیوال که بو دلخوش کردنمان هینشی له شانو چیز وه رگرین.

سامان سیدابراهیمی

### Leading Article

The success became coercion that first part of Bulletin, was written eventually. However we started too late and at the end we finished soon; but the memories ride the train of moments hurried, goes to twelfth station. God bless you, passengers of Art land

When arrive your land, think a bout next ceremony, the ceremony with everybody and one Kurdish theater. Think about a festival without prejudice, the jury be our teacher at class of dramatic arts

.Perform art of artists, artily

Don't search about word of Kurdish theater, irrigate the root till the trunk can tolerate the weighty fruit, till fruits be sweet be sweet in palate of theater and these sweets be permanent in mondial mind

Its necessary that on behalf member of continual secretariat of glad to meet you and thanks a lot .honorable jury for doing ceremony sweetly

Thanks our guests that said the defect. Thanks active artists for offering their merit. Thanks citizens for spelling the expectation lesson and thanks executive committee that want to be happy everyone and .enjoy of theater art

Saman Seyed Ebrahimi





**پیام استاندار کردستان**  
به نام خالق زیبایی‌ها

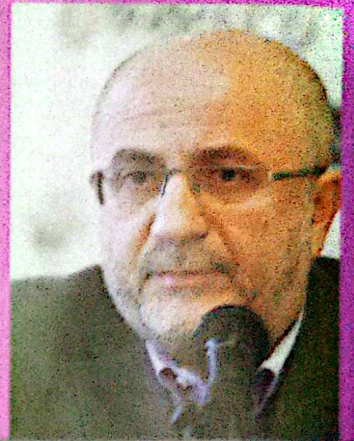
آنچه هنر می‌تواند به عنوان کمال مطلوب انسان عرضه کند سایش و تقدیس ذات زیبایی باریتمانی است چرا که هنر بازناب آن چیزی است که انسان دارد تا ذره‌ای از هنر خلقت را احساس کند. در سالی که نظام منظم بهری (مطابق تعالی) آن را سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی نام‌گذاری کرده‌اند، جشنواره‌ی تئاتر کردی سفر می‌تواند نشان از عزمی واضح در ارتقای پیش از پیش فرهنگ و هنر استان کردستان باشد.

هنر به معنای عام و هنر تئاتر در این استان به طور اخص بازناب روحیات مردم خوش ذوق و هنرپروری است که هنر جزء لاینفک زندگی روزمره‌ی آن‌هاست. کردستان به عنوان یک استان فرهنگی، مهد هنر و فرهنگی کهن است که باید تلاش کرد در قالب هنرهای مختلف آن را زنده نگه‌داشت و در این میان هنرمندان تئاتر وظیفه دارند با تمام توان خود از تئاتر برای پویایی و ترویج فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی استفاده کنند.

باری آوازه‌ی تئاتر کردستان، به باکی و سادگی، فرهنگی و بومی بودن آن است که امید آن می‌رود هنرمندان این وادی علی‌رغم حجمی رساله‌های بی‌کجابه این درخت تناور را زنده و شکوفا نگه دارند؛ ما نیز بر خود وظیفه می‌دانیم که هرچی در توان داریم از خدمت‌گذاری و حمایت از این هنر دریغ نداریم تا اندکی از مشکلات فراروی این مهم را بکاهیم.

با چشمان مشتاق و دل پر نیش به استقبال یازدهمین جشنواره‌ی تئاتر کردی سفر، به عنوان نمادی از تبلور همدوستی و هنرپروری مردمان اصیل و نجیب کرد کشور عزیزمان می‌رویم.

عبدالصمد زاهدی  
استاندار کردستان



**پیام معاون محترم امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی**

آفرینش، تجلی زیباترین هنر در محدوده‌ی فهم آدمی است. آنچه انسان می‌آفریند، جلوه‌ی خلیقه‌اللهی اوست و آنچه می‌سازد، انعکاس خلاقیت انسان است. تئاتر، شکل نمادین جدال زشتی‌ها و زیبایی‌هاست و حضور هنرمند در صحنه‌ی تئاتر حکایت هبوط او بر زمین و ماجرای این جدایی و تلاش برای وصل مجدد اوست.

نقشی که هنرمند تئاتر بازی می‌کند، تکرار واقعیت و تاکید بر حقیقت است. هنرمند، جوای راز هستی است و تئاتر، جان شیفته‌ی هنرمند را در هر نمایش، آرام و دیگر بار، بی‌قرار می‌سازد و این حکایت کمال‌جویی بی‌پایان اوست. آنچه برای هنرمند لذت‌آفرین است، شناختی است که از تحلیل نمایش و شخصیت‌های آن می‌یابد و بازآفرینی می‌کند. او وارد این وادی اسرارآمیز می‌شود و واقعیت و حقیقت را نمایان می‌سازد. جشنواره‌ی تئاتر کردی سفر روایت تلاش هنرمندان غرب کشور است که از همه‌ی آن عزیزان تقدیر و از خالق بگانه، توفیق روزافزونشان را در تمامی فعالیت‌های ارزشمند هنری مسألت می‌نمایم.

علی میرادخانی  
معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی





### پیام فرماندار ویژه شهرستان سقز (رئیس ستاد اجرایی شهرستان)

هنر در ذات خود ریشه‌ی فطری الهی دارد و در همه حال رونق اندیشه‌ی هنری، آرامش خاطر و اطمینان قلب را به جوامع انسانی عرضه می‌دارد که بدون هیچ حد و مرزی تمامی مفاهیم انسانی و الهی را جامعه هنر پوشانده و پیام نهفته‌ی آن‌ها را با اثربخشی مطبوع در معرض دید آحاد مردم قرار می‌دهد.

برگزاری جشنواره‌های فرهنگی - هنری در زمانه‌ای که حجم‌های سنگین فرهنگی استکبار جهانی بر بیکره‌ی مبارک این مرز و بوم فرود می‌آید تلاشی مبارک است که باستانی با ترویج فرهنگ ایرانی - اسلامی در راستای خشتی نمودن این حجم‌ها تلاش نمود و مقتدرانه ظاهر شد که «اقتدار فرهنگی» به فرمایش رهبر معظم انقلاب یعنی لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به شکل صحیحی دفع شود.

در استان کردستان که به فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) سرزمین هنر و فرهنگ نامیده شده است می‌بایست بیشترین و پرمختجرتین برنامه‌های فرهنگی و هنری را برنامه‌ریزی و اجرا نمود که برگزاری جشنواره‌های مختلف را می‌توان از مصداق خوب برنامه‌های فرهنگی دولت تدبیر و امید در استان فرهنگی کردستان برشمرد که اساساً با رویکرد اعتدال، معنویت و دانش که در دستور کار دولت محترم یازدهم قرار دارد شاهد پویایی و شکوفایی هر چه بهتر فرهنگ و هنر خواهیم بود.

برگزاری جشنواره‌ی تئاتر کوردی فرصت خوبی جهت گسترش فرهنگ و ترویج و اطلاع آیین و آداب و رسوم بختی از تاریخ و فرهنگ کشور است و نقش مهمی در معرفی فرهنگ غنی ایران عزیزمان دارد تا هنرمندان متعهد با شناخت کافی از فرهنگ، باورها و آیین‌های اصیل و ارزشمند با دیگر یا مرور اندیشه‌های ناب ایرانی - اسلامی به کشف ویژگی‌های غنی در متن و بطن جامعه بپردازند. اینجانب ضمن ارج نهادن به زحمات همگی کسلی که در این رخداد فرهنگی - هنری حضوری فعال و مؤثر دارند لازم می‌دانم از تمامی اعضای ستاد برگزاری و هنرمندان شهرستان در جهت حمایت و همراهی و همکاری برای برپایی و برگزاری هر چه با شکوه‌تر این مهم تقدیر و تشکر نمایم.

بدون تردید امروز در جهت برگزاری این امر خیر در این شهرستان فرهنگی، شاهد وحدت و همدلی بین مسئولین و هنرمندان در پیشبرد اجرای این جشنواره هستیم زیرا برگزاری چنین رویدادی، همکاری، همدلی و همراهی مجموعه را می‌طلبد و این مهم همواره در شهرستان با مردمانی با اصالت و فرهنگ دوست باید وجود داشته باشد تا باعث هم افزایی، پیشرفت و توسعه‌ی روزافزون گردد.

فختری

فرماندار و رئیس ستاد برگزاری یازدهمین جشنواره‌ی تئاتر کوردی



### پیام نماینده‌ی مردم فهیم شهرستان‌های سقز و بانه در مجلس شورای اسلامی

به نام خالق زیبایی و هنر

هنر ماندگارترین عرصه‌ی تلاقح فکری بشر، می‌تواند با زیبایی تمام این پیام‌رسانی سترگ را انجام و تأثیر و جاودانگی آن در مخاطب را به خوبی القا و اثبات نماید.

جشنواره‌ی تئاتر کوردی تجلی‌گاه بیان احساسات، عواطف و اندیشه‌های پاک این خطه از وطن عزیزمان می‌باشد که به تعبیر مقام معظم رهبری آن را یک استان فرهنگی نامیدند. مردمانی که خود را اصیل‌ترین ایرانیان و مرز نشینان زاگرس تجلی‌گاه شعر و شعور و هنر است و تصمیم دارند که از این بستر مفید فرهنگی و سایر رویدادهای از این قبیل برای ایجاد قوام و بسط مفاهیم عمیق فرهنگی و وحدت و مشارکت ملی در نظام مقدس جمهوری اسلامی بهره برده و نمود زیبایی موفقیت‌آمیز آن را در اقصی نقاط دنیا به نمایش بگذارند.

لذا یازدهمین جشنواره‌ی تئاتر کوردی سقز را به یاری حی لایزال و همت والا و ستودنی مردان و زنان فرهنگ دوست این خطه آغاز می‌نمایم و ایمان داریم که می‌تواند بستر مناسبی برای رشد و بالندگی اندیشه‌های پاک باشد. رضاء و اتفاق دارم هنرمندان و دست اندرکاران عزیز اجرایی جشنواره، داوران ارجمند و شهروندان فهیم سقزی در نهایت حوصله و درایت این رویداد مهم فرهنگی را مدیریت و اهتمام لازم در حسن انتقال پیام عمیق و محتوایی این جشنواره‌ی ارزشمند را فراهم نمایند. چرا که حسن میزبانی و برگزاری این رویداد با ارزش قطعا در بسط، ارتقا و تنوع جشنواره در آینده تأثیرگذار خواهد بود. (به امید آن روز)

محسن بیگلری

نماینده‌ی مردم فهیم شهرستان‌های سقز و بانه در مجلس شورای اسلامی و  
رئیس مجمع نمایندگان مردم کردستان در مجلس شورای اسلامی



# شورای شهر شهردار سقز

## پیام شورای شهر و شهردار سقز



## خداوند جان و خرد

## کردستان یک استان فرهنگی است

### (مقام معظم رهبری)

فرهنگی عظیمی که در سالان اخیر به نام جشنواره تئاتر کوردی یا هنق کوردی نامیده می‌شود و هنرمندانی جوانان جلی‌جلی این سرزمین هنر کلامی سنجی و درخور تحسین است، چرا که تئاتر به عنوان هنری تاثیرگذار و بسیار جانکده و آلائی در ساختار منحصی فرهنگی کشور دارد.

این هنر ژرف و اثرگذار، خود توانسته جوامع بشری را از هر قوم، فرهنگ، زبان، در همی هم‌را و نسل‌ها با هم مرتبط ساخته و زمینه‌های تعامل و تبادل تجربه را با زبان مشترک در جهت کمال و سعادت انسان‌ها فراهم سازد و در نهایت با بهره‌گیری از جنبه‌های حرکتی و کلامی نقش مؤثری را در تعامل ایفا می‌کند.

شما در کنار پرداختن به ادب و رسوم و آیین‌ها و مناسک فرهنگی و دینی در حفظ ادب قلمی اقدام و زنده نگه داشتن آن و تلاش در جهت شناسایی و بزرگ‌سازی تاریخی و منطقه‌ای نقش مهمی ایفا نماید.

با همین نوری برگزاری جشنواره تئاتر کوردی که با همت مسئولین شهرستان سقز در حال برگزاری است، امید است به یاری خداوند متعال و با شجاعت و دانش به فضای تجارب خود افزوده و در اعتلای این هنر تاثیرگذار در جادو فرهنگ و در دولت تدبیر و امید بیروز و سر بلند باشید.

امید است تمام هنرمندان شرکت کننده و برگزارکنندگان و ستاد برگزاری آرزوی خود را محقق سازید.

رجیم جعفری

رئیس جشنواره تئاتر کوردی سقز و مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کردستان

هنر، موهبتی بشری است از جهانی که به دست یگانه فرزانه‌ی عالم خلق شده است. هنر، زیباترین دستاوردی است که جوامع انسانی، خود را با آن از دیگران متمایز می‌کنند و آن را مایه‌ی مهربانی خود می‌دانند.

شکی نیست که «شهر» به عنوان بستری زنده و پویا برای ساکنین خود عمل می‌کند که باید مدام به حیات و سرزنده بودن آن توجه کرد تا این احساس به «شهروندان» منتقل شود. فعالیت‌های فرهنگی و هنری ریه‌های شهر هستند که اکسیژن روانی و رفتاری شهروندان آن را تأمین می‌کنند. همه بر این باوریم که «شهرت» یک شهر را نمی‌توان صرفاً با داشتن معمار سنگ فرش، سیستم‌های روشنایی و دفع فاضلاب به اثبات رساند. همین‌طور «شهروند» بودن شهروندان، تنها بسته به سکونت فیزیکی در مکانی که نام شهر نیست، بلکه میزان مصرف کالاها و رویدادهای فرهنگی و هنری است که درجه‌ی شهرت و شهروندی ساکنین را تعیین می‌کند. پس ما وظیفه‌ی خود می‌دانیم که شهروندان را از قالبی سیمانی و خشک به مکانی زنده و انسانی و درخشان سابقه‌ی چند هزار ساله‌ی شهروندی سقز تبدیل کنیم.

جشنواره‌ی تئاتر کوردی سقز نیز از جمله‌ی رویدادهای کم‌نظیر مناطق کوردنشین است که مایه‌ی افتخار شهروندان بوده و ما شادمانیم که فرصتی دیگر نصیبمان شد تا برخی دیگر از دفتر فعالیت‌های فرهنگی - هنری خود را ورق بزنیم.



## پیش در آمدی بروند برگزاری جشنواره ی یازدهم تئاتر کوردی از ابتدا تا لحظه ی برگزاری

پس از وقفه ی ۳ ساله در برگزاری جشنواره ی تئاتر کوردی سقر و هر بار به دلایل و بهانه های مختلفی که از سوی مسئولین وقت اعلام می شد، اصرار و پیگیری های مکرر و مداوم هنرمندان مناطق کوردنشین و خصوصاً اهالی تئاتر سقر نهایتاً با تغییر مدیریت کل اداره ی ارشاد اسلامی استان کردستان منجر به برگزاری جلسه با سرپرست وقت اداره کل آقای قلعه شاخانی در آبان ماه سال ۹۲ در محل مجتمع فرهنگی هنری سقر با تعدادی از هنرمندان تئاتر گردید که ایشان قول همراهی با هنرمندان جهت برگزاری یازدهمین جشنواره ی تئاتر کوردی سقر را در ۶ ماه اول سال ۹۳ دادند و در همین جلسه پیشنهاد گردید که جهت برگزاری منظم و سالیانه ی این جشنواره و جلوگیری از هر گونه برخورد سلیقه ای و فردمحور با این جریان عظیم فرهنگی، شناسنامه و آیین نامه ی تدوین گردد تا منبعد براساس ساختاری مشخص و قانون مند با این جریان برخورد شود، که وظیفه ی تدوین و نوشتن این آیین نامه بر عهده ی هنرمندان تئاتر سقر گذاشته شد. در نهایت پس از برگزاری جلسات چهار ماهه توسط تعدادی از هنرمندان که متشکل از آقایان اسماعیل پاشایی، صلاح محمدی، محمد زارع زاده، علی رضا اسماعیلی، زاهد آرمی، داریوش رفعتی، ادریس دلارامی، سامان سیدابراهیمی و پرویز احمدی بود؛ آیین نامه ی جشنواره ی تئاتر کوردی تدوین گردید و پس از برگزاری چندین جلسه با سرپرست و مشاورین اداره کل آیین نامه ی نهایی پس از اعمال تغییراتی به تصویب رسید که در این آیین نامه تشکیل دبیرخانه ی دائمی جشنواره با ساختار و شیوه ی مشخص پیش بینی شده بود که نهایتاً منجر به تشکیل دبیرخانه ی دائمی جشنواره شد. اعضای دبیرخانه پس از دریافت احکام و شروع رسمی فعالیت های خود فراخوان جشنواره را در اردیبهشت ماه سال ۹۳ منتشر نمودند که پس از انتشار فراخوان یازدهمین جشنواره ی تئاتر کوردی تعداد ۵۴ متن نمایشی به دبیرخانه ی جشنواره ارسال گردید و در نهایت پس از اتمام مهلت ارسال آثار در ۲۰ مردادماه، تعداد ۲۶ گروه نمایشی فیلم آثار خود را جهت بازبینی و حضور در جشنواره به دبیرخانه ارسال نمودند. هیئت بازبین جشنواره که متشکل از آقایان: خسرو سینا، صابر دل بینا و صلاح محمدی بود، در مورخه ی ۹۳/۵/۳۱ آرای خود را با قطعیت و بدون اولویت بندی جهت اعلام به گروه های منتخب به شرح ذیل اعلام نمودند:

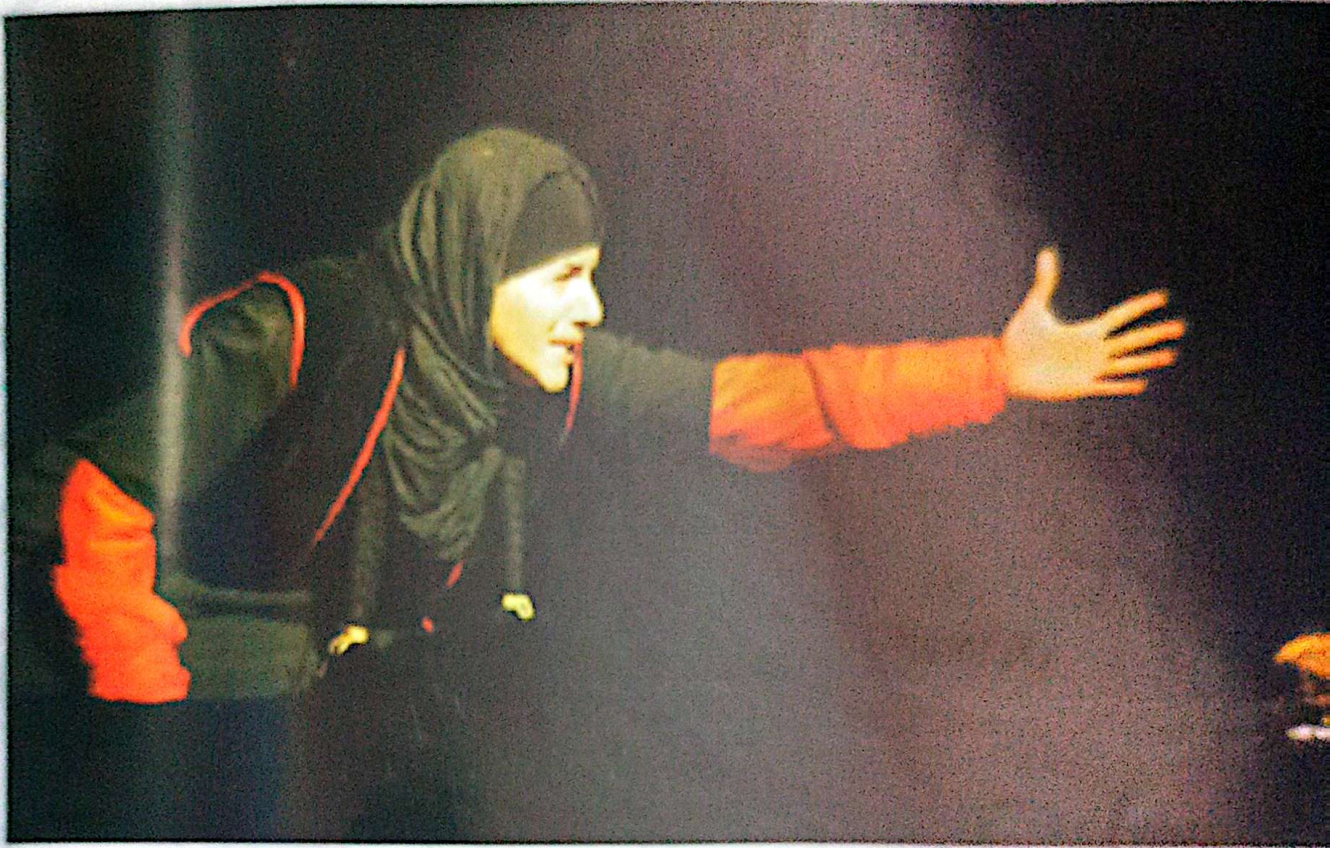
- ۱ - سه مایه ک بوقه رانه و دی بوقه که کان فاتح بدینوا از سقر
  - ۲ - گیلگه میش، رحیم عبدالرحیم زاده از بوکان
  - ۳ - هه لوق، علی رضا اسماعیلی از سقر
  - ۴ - کپیوه دی خوله میشی نه سپانی ناسمان شهزادو هانی از سقر
  - ۵ - گرایلی، میترا بابایی و عباس کاظمیان از قوچان
  - ۶ - سروودی سه د هه زار نوقیلیای نه ویندان، امید خاکو از سقر
  - ۷ - با دهنگ نازدار و گاودرقله ژیر سه رم بیت حبیب از سقر کوردستانی از سنندج
  - ۸ - گوی له دوایین وشه کان بگره، مرتضی اسدی مریم از سقر
- (به پیشنهاد هیئت بازبین صرفاً جهت اجرا در بخش جسی و خنج از سقر و در بخش ویژه نمایش سالی ناشووب، گوران علی کریم به پیشنهاد هیئت جهت اجرا در جشنواره انتخاب گردید)



• معرفی گروه‌های  
شرکت‌کننده در  
یازدهمین  
جشنواره‌ی  
تئاتر کردی سقز







**فاتح بادپروا**

متولد ۱۳۵۰، مریوان  
دبیر اجرایی جشنواره‌ی تئاتر  
خیابانی مریوان  
آغاز فعالیت هنری از ۱۳۶۳



نویسنده: ایریغ کهرتیمان  
مترجم: فاتیما بادپروا  
محرران: کدزاد محمدی، دنیا گوشتاری، نسیره مفردی،  
مشتیگان حسینیانی  
کارگردان: دافریسیر رفیقان هوشیاری  
بازیگران: زینب شایز، کامران وصالی  
زورخانگی: مهتاب حسینی  
جوینده: غاسرین حسینیان  
تولیدگر: صالح حسینی  
پارامتریک: کاروان قادری، کیوان رحیمی  
شار: مریوان



## DANCE FOR RETURN THE BRIDES



**Fateh Badparwa**

Born in 1972,

Mariwan

Secretary of Mariwan

Street Theater Festival

Commencement of  
artistic career from

1984

## DANCE FOR RETURN THE BRIDES

**Playwright** : Trifa Karimian

**Stage Director** : Fateh Badparwa

**Stage Director's Assistan** : Rahman  
Hoshiari

**Cast** : Kazhwan Mohamadi , Donya  
Goftari , Nayereh Mardi , Ashkan  
Abdiani

**Stage Manager** : Kamran Wahabi

**Light** : Milad Abdi

**Continuity** : Asrin Abdiani

**Music** : Saman Abdiani

**Costume** : Nafe' Hasani

**Other Stuff** : Kawan Ghaderi , Kei-  
wan Rahimi , Nafe' Hasani

**City** : Mariwan







رحیم عبدالرحیم زاده  
متولد ۱۳۵۹، بوکان  
کارشناس ارشد کارگردانی  
آغاز فعالیت هنری از ۱۳۷۲



فوسفر و دهرهیندر: رحیم عبدالرحیم زاده  
دهورگیران: سعاد قارهمانی، شورش تهابک، هینمن عوسمانی،  
سه عادهت بدهوی، نیران نهجه دپوور  
موسیکا: سمکوز زهرابی، سندهم قارهمانی  
رووناکی: هیرش نادری  
گرم: ماندانا بدهوی  
دیکور: سیروان پیرونی  
شار: بوکان



# GILGAMESH



Rahim  
Abdolrahimzade  
Born in 1980,  
Bokan  
Master degree of  
stage director  
Commencement of  
artistic career from  
1993



## GILGAMESH

**Playwright & Stage Director :**

Rahim Abdolrahimzade

**Cast :** Sa'd Ghahremani , Shoreshtabak , Hemen Osmani , Sa'adat Badavi , Iran Ahmadpoor

**Music :** Semko Zahrabi , Sanam Ghahremani

**Light :** Heresh Naderi

**Makeup :** Mandana Badavi

**Decor :** Sirwan Piroti

**City :** Bokan







علیرضا اسماعیلی  
متولد ۱۳۵۱، سقز  
دانشجوی کارشناسی ارشد  
ادبیات نمایشی  
آغاز فعالیت هنری از ۱۳۶۵



نووسەر: عوبەید رۆستەمی  
وەرگێژ: زاهید ئارمی  
دەرھێنەر: عەلیڕەزا ئیسماعیلی  
دەورگێزان: ئیسماعیل پاشایی، ئیدریس دلارامی،  
وریا شاکری، سامان داروهند، هیوا ئەسەدبەییگی،  
کاوان فەتھی، کیانووش کەریمی، ساریه ئەمین،  
سەفووڕا سەحافی، شۆرش عەنایەتی، هێمن ئەمین پووڕ،  
فەردین ئەبولحەمەدی، شەھۆ سۆلتانی، نەوید مورتەزایی،  
شیا شێخ ئیسماعیلی، پدram رەحیمی، پەریا فەیزی،  
میلاد یوونسی، ئەندیا شێر محەمەدی  
یاریدەری دەرھێنەر: سالار سۆلتان پووڕ  
بەرئێوەبەری دیمەنی شانۆ: پدram نیلووفەری  
دیزاینی دیمەنی شانۆ: عەلیڕەزا ئیسماعیلی  
جلوبەرگ: فریشتە کەریمی  
رووناکی: ئەمین سادقی  
تەدراچی برووشوور: وریا شاکری  
مۆسیقا: عەلا نەباتی  
شار: سەقز



# EAGLE



**Alireza Esmaeili**

Born in 1972

Saqquez

Master student of  
dramatic literature

Commencement of  
artistic career from  
1986



**Eagle**

**Playwright :** Obeid Rostami

**Translator :** Zahed Armi

**Stage Director :** Alireza Esmaeili

**Cast :** Esmaeil Pashaei , Edris Delarami

, Vrya Shakeri , Saman Darvand , Hiwa

Asadbeigi , Kawan Fathi , Kianoosh

Karimi , Sarie Amini , Safoora Sahafi ,

Shoresh Enayati , Hemn aminipoor ,

Fardin Abolmohamadi , Shaho Soltani

, Navid Mortezaei , Shenya Sheikh

Esmaeili , Pedram Rahimi , Parya Feizi ,

Milad Yonesi , Andya Shirmohamadi

**Stage Director's assistan:** Salar

Soltanpoor

**Stage Manager :** Pedram Niloofari

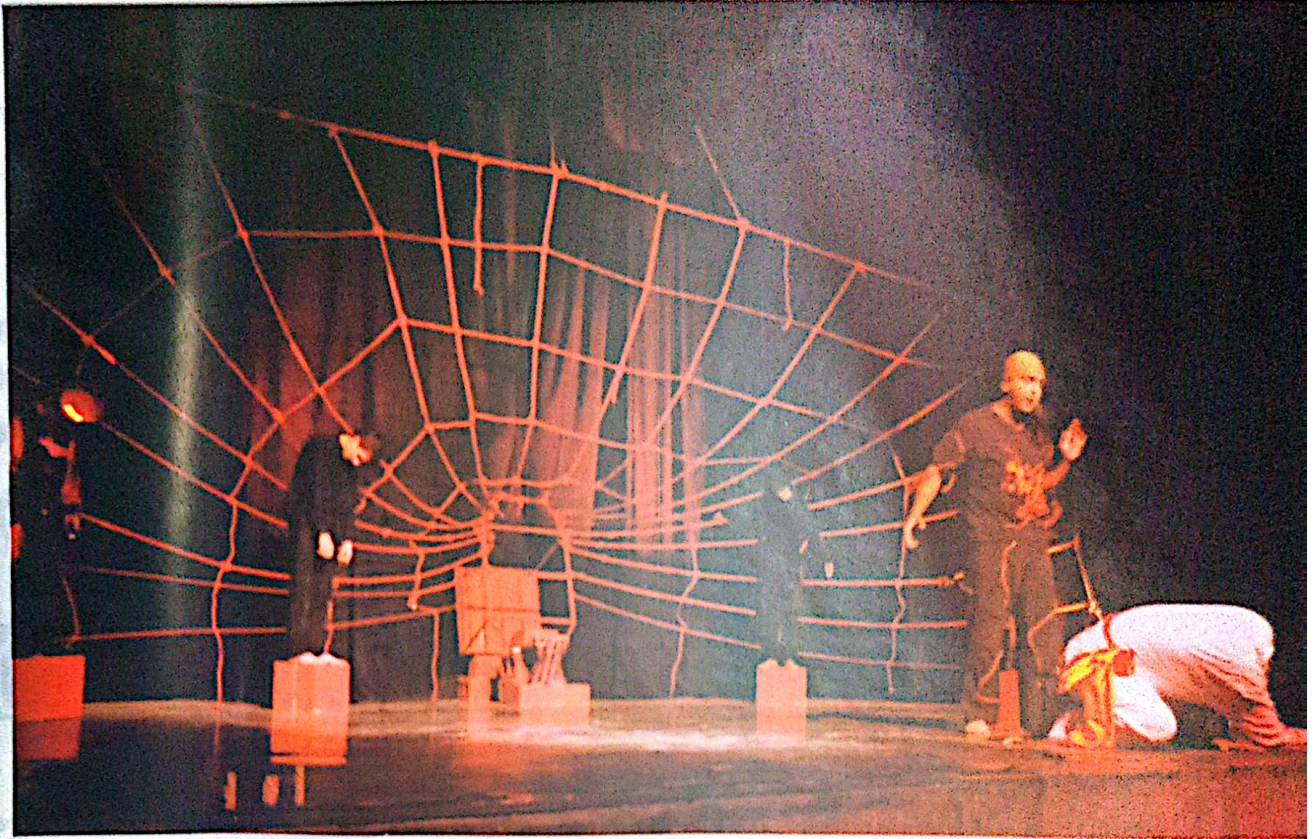
**Set Designer :** Alireza Esmaeili

**Costume :** Fereshte Karimi

**Light :** Amin Sadeghi

**City:** Saqqez





شهربانو هادی  
متولد ۱۳۶۳، تهران  
کارشناس روان شناسی  
آغاز فعالیت هنری از ۱۳۸۴



نوسطر: ندغمه سدهینی  
وهرگیر: زاهید نارمی  
دورهینهر: شهربانوو هادی  
دورگیران به پنی هاتنه سدر شانزو: فهرد ندجدهفی،  
موبینا نهلماسی، شهربانوو هادی، پهرویز نهجدهدی،  
داریووش رهفعدتی، بهفرین عزیززی، هیلیا ندجدهفی،  
رژنیا رهفعدتی  
فوزم سازه کان: نامینه نهجدهدی، نهرمین نهجدهدی،  
ههزیر سالی، شهاب فیرووزی  
دیزاینی دیمهنی شانزو، رووناکی و جلوبدرک:  
شهربانوو هادی  
موسیقیا: سدرؤک محمدهدی، رهزا رهحیمی  
گریم: شایر فتهقی  
پروشور: حمیده میرزایی  
یاریده ری دورهینهر: نامینه نهجدهدی  
شار: سدهنز



## SKY HORSES RAIN ASH



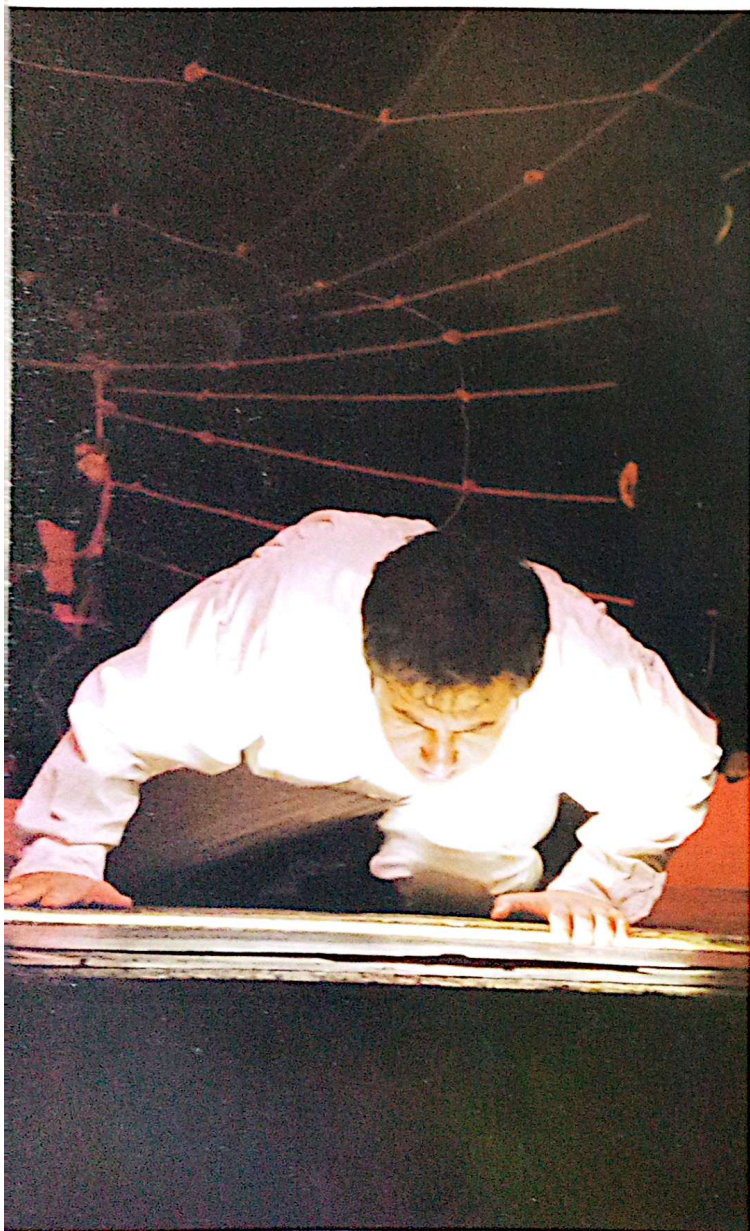
### **Shahrbanoo Hadi**

Born 1984,

Tehran

Bachelor degree of  
psychology

Commencement of  
artistic career 2005



### **Sky horses rain ash**

**Playwright :** Naghme Samini

**Translator :** Zahed Armi

**Stage Director :** Shahrbanoo Hadi

**Cast :** Farid Najafi , Mobina Almasi ,  
Shahrbanoo Hadi , Parviz Ahmadi , Dari-  
ush Rafa'ti , Bafrin Azizi , Helya Najafi ,  
Ronja Rafa'ti

**Other Stuff :** Amene Ahmadi , Narmin  
Ahmadi , Hajhir Salehi , Shahab Firoozi  
**Set Designer , Light & Costume :** Shah-  
rbanoo Hadi

**Music :** Sarok Mohamadi , Reza Rahimi

**Makeup :** Shler Fatahi

**Afish & Leaflet :** Hamide Mirzaei

**Stage Manager :** Amene Ahmadi

**City :** Saqqez





تدریس در دانشگاه تهران، عباس کارمیان

مؤلف: کوروش میرزا باغی، عباس کارمیان، مریم پروانه

موضوع: تعلیم و تربیت، معنویت، اخلاق، آموزش، روش تدریس، روش تدریس

مؤلفان: فریاد، رضا باقرزاده

موضوع: کتب فلسفی، تاریخ تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت

مؤلف: فلسفی، رضا باقرزاده

موضوع: فلسفه تعلیم و تربیت، روش تدریس، روش تدریس

مؤلف: فلسفی

موضوع: فلسفه تعلیم و تربیت، روش تدریس، روش تدریس

مؤلف: فلسفی، روش تدریس، روش تدریس

موضوع: فلسفه تعلیم و تربیت، روش تدریس، روش تدریس

مؤلف: فلسفی، روش تدریس، روش تدریس

موضوع: فلسفه تعلیم و تربیت، روش تدریس، روش تدریس

میترا باغی

عباس کاظمیان

متولد: ۱۳۶۵، تهران

متولد: ۱۳۵۶، قزوین

تحصیل: دکتری، فلسفه

لیسانس روان‌شناسی

انگیزه فعالیت علمی از سال ۱۳۷۳

انگیزه فعالیت علمی از سال ۱۳۷۷

۱۳۷۳

۱۳۷۷

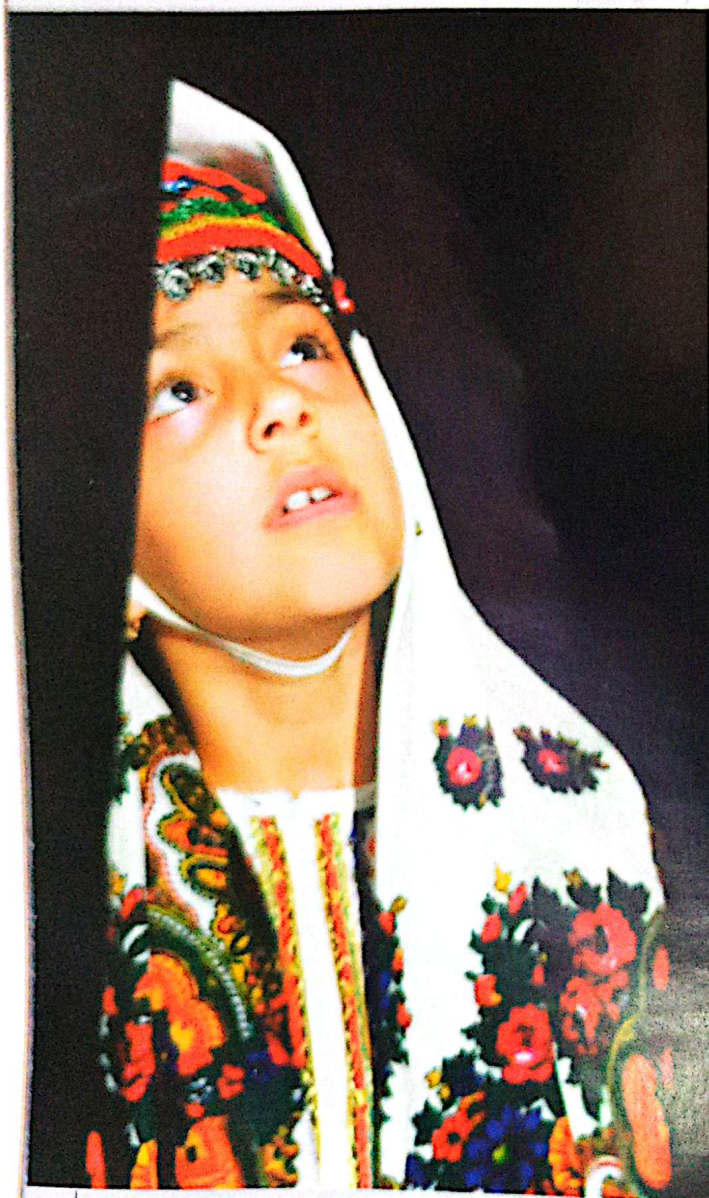




# GRAEILI



- **Mitra Babaei**      **Abas Kazemian**
- Born in 1986,      Born in 1977,
- Ghoochan      Ghoochan
- Bachelor student      Bachelor
- of physical      degree of
- education      psychology
- Commencement      Commence-
- of artistic career      ment of
- 1998      artistic career
- 1994



## Graeili

**Stage Directors :** Mitra Babaei , Abas Kazemian

**Cast :** Mitra Babaei , Abas Kazemian , Hosein Haghparast , Mahmood Khosrawi , Zohre Dinpoor , Maryam Parwane , Ebrahim Foroodi , Reza Bagherzade , Yasin Golmohamadi , Naser Alizade , Mohammad Ali Abedi , Hasti Taghdisi , Reza Rahnama

**Sorna & Ghomshe Player :** Ali Asghar Ariana

**Dohol & Daf Player :** Mohsen Ariana

**Dotar Player :** Morteza Abdi

**Singer :** Javad Hasanzade

**Light & Effect :** Hamed Daemi

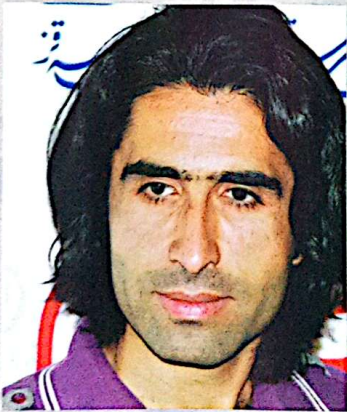
**Makeup :** Maso'od Taghdisi

**City :** Ghoochan





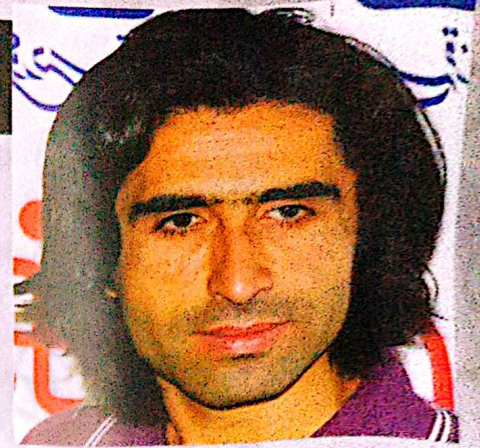
امید خاکپور  
متولد ۱۳۵۷، مهاباد  
شروع فعالیت از سال ۱۳۷۵



نووسەر: دوکتور قوتبه‌دین سادقی  
دهره‌نهر: ئومید خاکپور  
دهورگیران: له‌یلا مه‌لوودزاده، میهران فتری  
گۆرینی دیکتور: سینا ئیلیاسی، که‌یوان مه‌لوودزاده  
رووناکی: سامان نیره‌می  
مۆسیقا و ناوا: شۆرش ماملن  
ژهنیار: سۆران پورعه‌لی موکری  
برووشوور: باران محهمه‌دریحانی  
سه‌حنه و دیکتور: ئیبراهیم بوومی  
شار: مهاباد



## THE ANTHEM OF HUNDRED THOUSAND OPHELIA IN LOVE



### **Omid Khakpoor**

Born in 1978,

Mahabad

Commencement of  
artistic career 1996



### **The anthem of Hundred thousand Ophelia in love**

**Playwright :** Dr. Ghotbedin Sadeghi

**Stage Director :** Omid Khakpoor

**Cast :** Leila Moloodzade , Mehran Fetri

**Other Staff :** Sina Elyaszade , Keiwan  
Molodzade

**Light :** Saman Erami

**Music :** Shoresh Mamle

**Music Player :** Soran Poorali Mokri

**Leaflet Designer :** Baran Mohamad Reihani

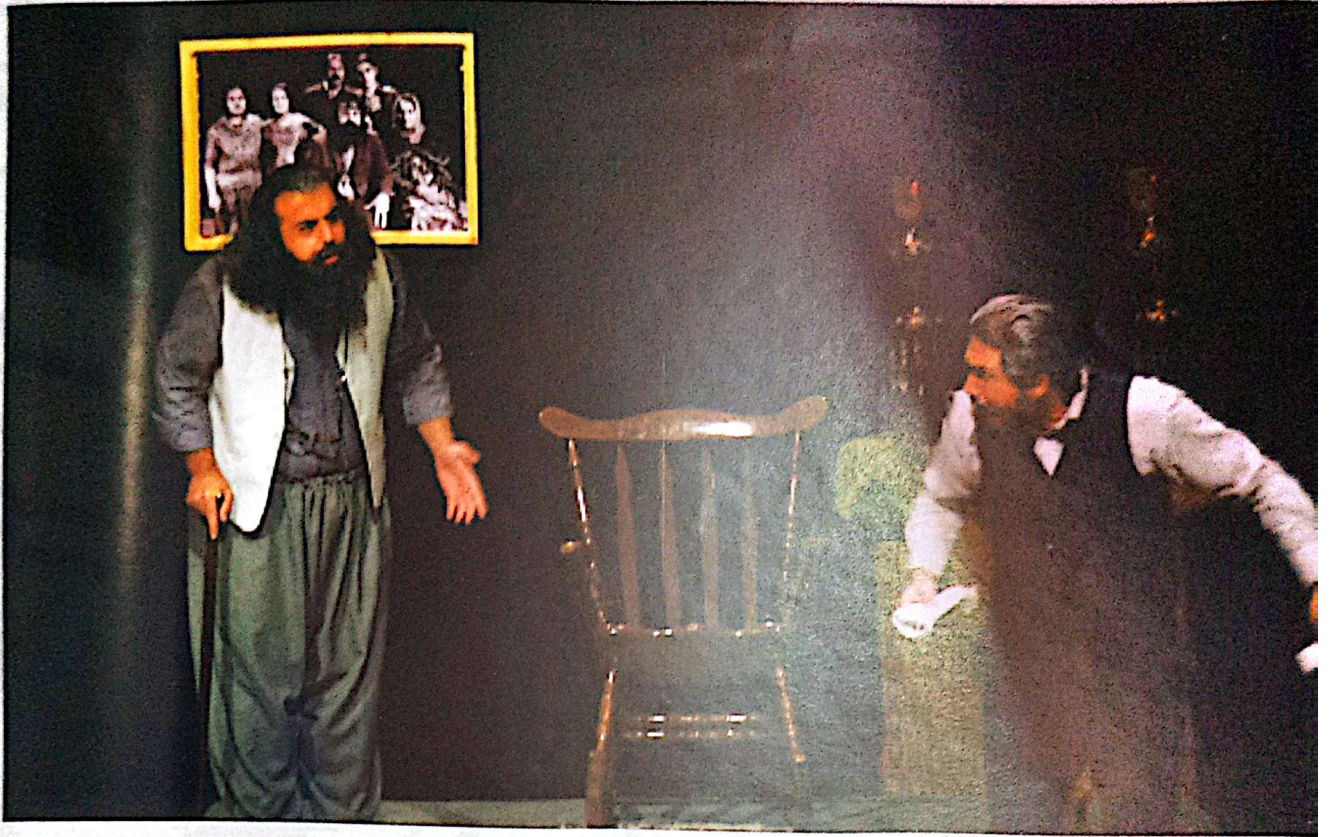
**Light :** Mohamad Ghasemi

**Set Designer & Decor :** Ebrahim Boomi

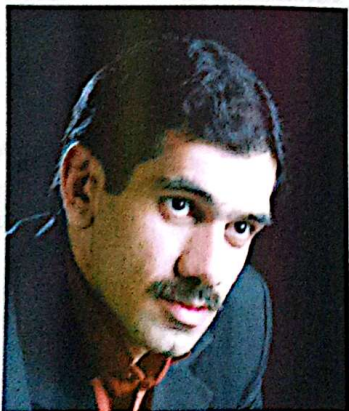
**City :** Mahabad



## با دهنگ نازار و گاوهرو له ژیر سهرم بیت



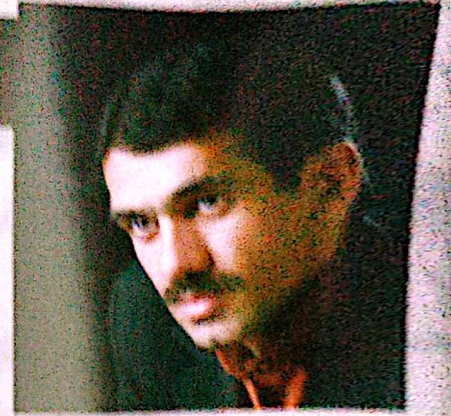
حمیدرضا احمدی کردستانی  
متولد ۱۳۵۹، سنندج  
آغاز فعالیت هنری از ۱۳۷۱



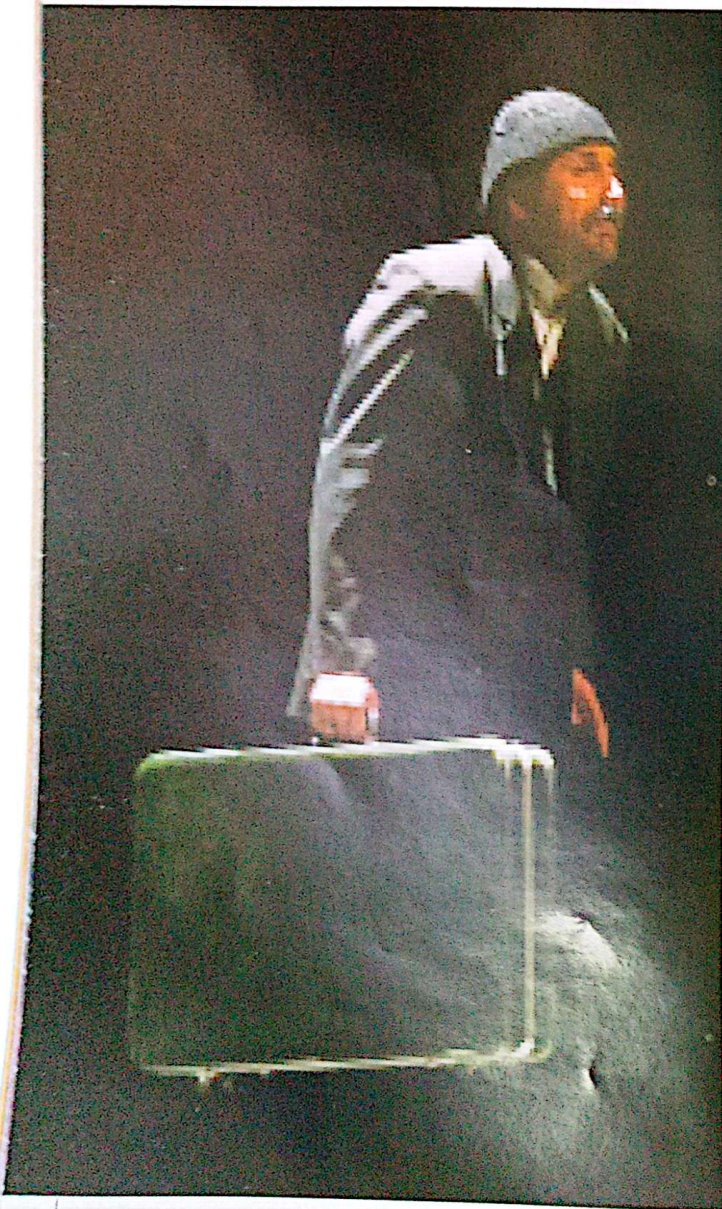
نووسەر: سابیر نیکبخت  
دهرهینەر: حمیدرەزا ئەحمەدی کوردستانی  
دهورگێڕان: حسەن تەرەقی، زاھید زەندی، ئەسەد فەریدی،  
سومەییە رەحیمی، پەرەستوو نوورمحەمەدی  
یاریدەری دەرھینەر: ناسر نیکبخت  
مۆسیقا: شەھرام عەلی محەمەدی، سارا حسەینی  
مونشی: نایدا وارهسته گان  
بەرێوەبەری دیمەنی شانۆ: موژگان ئیسماعیلی  
شار: سنه



LET THE VOICE OF LOVER AND RIVER BE IN MY MIND



**Hamid Reza  
Ahmadi Kordestani**  
Born in 1980,  
Sanandaj  
Commencement of  
artistic career from  
1992



**Let the voice of lover and river  
be in my mind**

**Playwright :** Saber Nikbakht

**Stage Director :** Hamid Reza  
Ahmadi Kordestani

**Cast :** Hasan Taraghi , Zahed Zandi ,  
Asa'd Faridi , Somaye Rahimi ,  
Parastoo Noormohamadi

**Stage Director's Assistan :**  
Naser Nikbakht

**Music :** Shahram Alimohamadi ,  
Sara Hoseini

**Continuity :** Ayda Varastegan

**Stage Manager :** Mojhgán  
Esmaeili

**City:** sanandaj





مرتضی اسدی مرام  
متولد ۱۳۶۲، هرسین  
کارشناس مدیریت فرهنگی  
آغاز فعالیت هنری از ۱۳۷۸



نورسهر: کامران شهلائی  
دهرهینسر: مورتزنا نهددی مهرام  
دهورگیران: موحسین سالاری، فرید تاهیری، ندا سادقیان،  
فهرانهک وه کیلی  
موسیقنا: مههدی نهددی تهبار  
رووناکی: حسین نادری  
بهرتوه بهری دیهنی شاتر و پرؤجیکشین: بهاره سعیدی بهنا  
شار: هرسین



## LISTEN TO THE LATEST WORDS



**Morteza**

**Asadimaram**

Born in 1983,

Harsin

Bachelor degree

of Cultural

Management

Commencement of

artistic career from

1999



**Listen to the latest words**

**Playwright :** Kamran Shahlaei

**Stage Director :** Morteza Asadimaram

**Cast :** Mohsen Salari , Farid Taheri ,  
Neda Sadeghian , Faranak Vakilifar

**Music :** Mehdi Asaditabar

**Light :** Hosein Naderi

**Stage Manager & Video Projection :**

Bahare Saeidipanah

**City:** Harsin

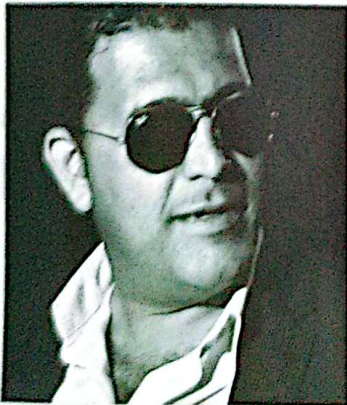




نوسهر و دهرهيندر: گوران علي كهرم  
دهور گيران: رووبار نهجده، نياز لهتيف، روژ فايهق،  
بههمه نواحيه  
بهريوه بهري شانز: بهيار كهمال  
موسيقا: نههرز عبدهوللا  
سهر بهرشي هوندي: كامهران مهجود  
شار: سليمان

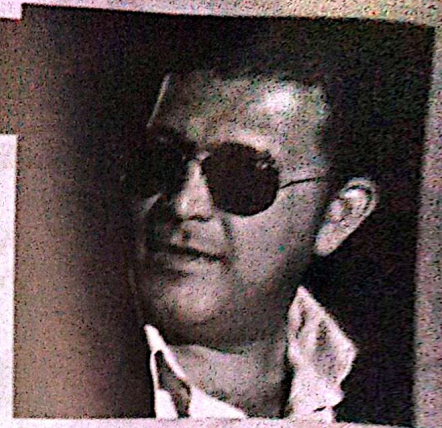
### گوران علي كريم

متولد ۱۳۵۴، سليمانيه  
كارشناس كارگرداني تئاتر  
آغاز فعاليت هنري از ۱۳۶۶





## YEAR OF AFFLICTION



### **Goran Ali Karim**

Born in 1975,  
Soleimania

Bachelor Of Stage  
Director

Commencement of  
artistic career from  
1990



## YEAR OF AFFLICTION

### **Playwright & Stage Director:**

Goran Ali Karim

**Cast:** Roobar Ahmad, Niaz Latif, Roj  
Fayaq, Bahman Vahed

**Stage Manager:** Bayar Kamal

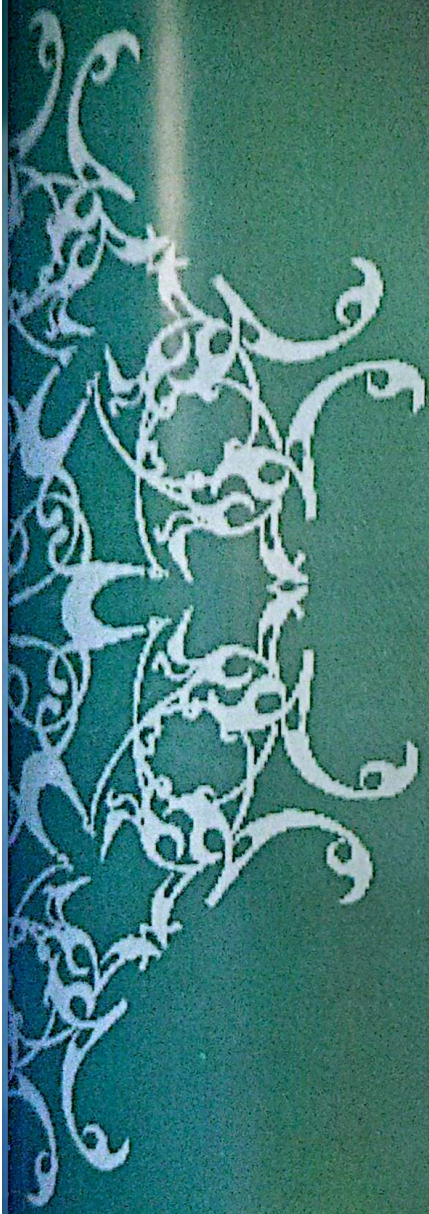
**Music:** Nahro Abdolla

**Artistic Manager:** Kamran Mahmood

**City:** Soleimania







معرف

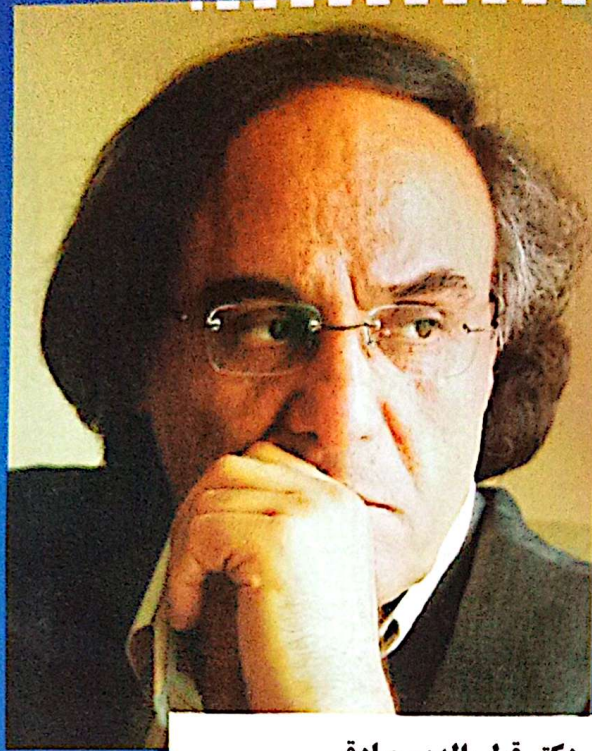
هیئت داوران

یازدهمین

جشنواره‌ی

تئاتر کردی سقز





دکتر قطب‌الدین صادقی

- Dr. Ghotbedin Sadeghi
- Born in 1952, Sanandaj
- Specialized Theater PhD from Sorbonne University
- Author of 120 research articles & more than 40 plays
- Stage Director of 50 theater & translate 20 book
- Chief clerk of the «Universe Contemporary Theater» Collection
- Member of Persian Language & Literature Academy and Art Academy
- Acting in so many series & movies

- متولد ۱۳۳۱، سنندج
- دکترای هنرهای نمایشی از دانشگاه سوربن فرانسه
- نگارش ۱۲۰ مقاله‌ی پژوهشی و انتقادی؛ و بیش از ۴۰ نمایش‌نامه
- کارگردانی ۵۰ نمایش و ترجمه‌ی ۲۰ کتاب
- سردبیر مجموعه‌ی ۱۰۰ جلدی (تئاتر معاصر جهان)
- عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی و فرهنگستان هنر
- بازی در چندین سریال و فیلم سینمایی



- متولد ۱۳۲۶، مهاباد
- لیسانس بازیگری از دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک
- پایه‌گذار اولین گروه تئاتری نوجوانان در تهران
- تدریس تخصصی بازیگری عروسکی
- بازیگر و کارگردان چندین سریال و فیلم

- Hasan Dadshekar
- Born in 1947, Mahabad
- Bachelor of Acting from Dramatic Arts Faculty
- Founder of first teenager theater group in Tehran
- Specialized teacher of puppet acting
- Director & Actor in so many series & movies

حسن دادشکر



تینو صالحی

- متولد ۱۳۵۹، سنندج
- کارشناس ارشد کارگردانی از دانشکده‌ی هنر و معماری
- کارگردان و بازیگر بیش از ۶۰ نمایش
- بازی در چندین سریال

- Tinoo Salehi
- Born in 1980, Sanandaj
- Master degree of Stage Directing from Architecture & Art Faculty
- Director & Actor of more than 60 theater
- Acting in so many series



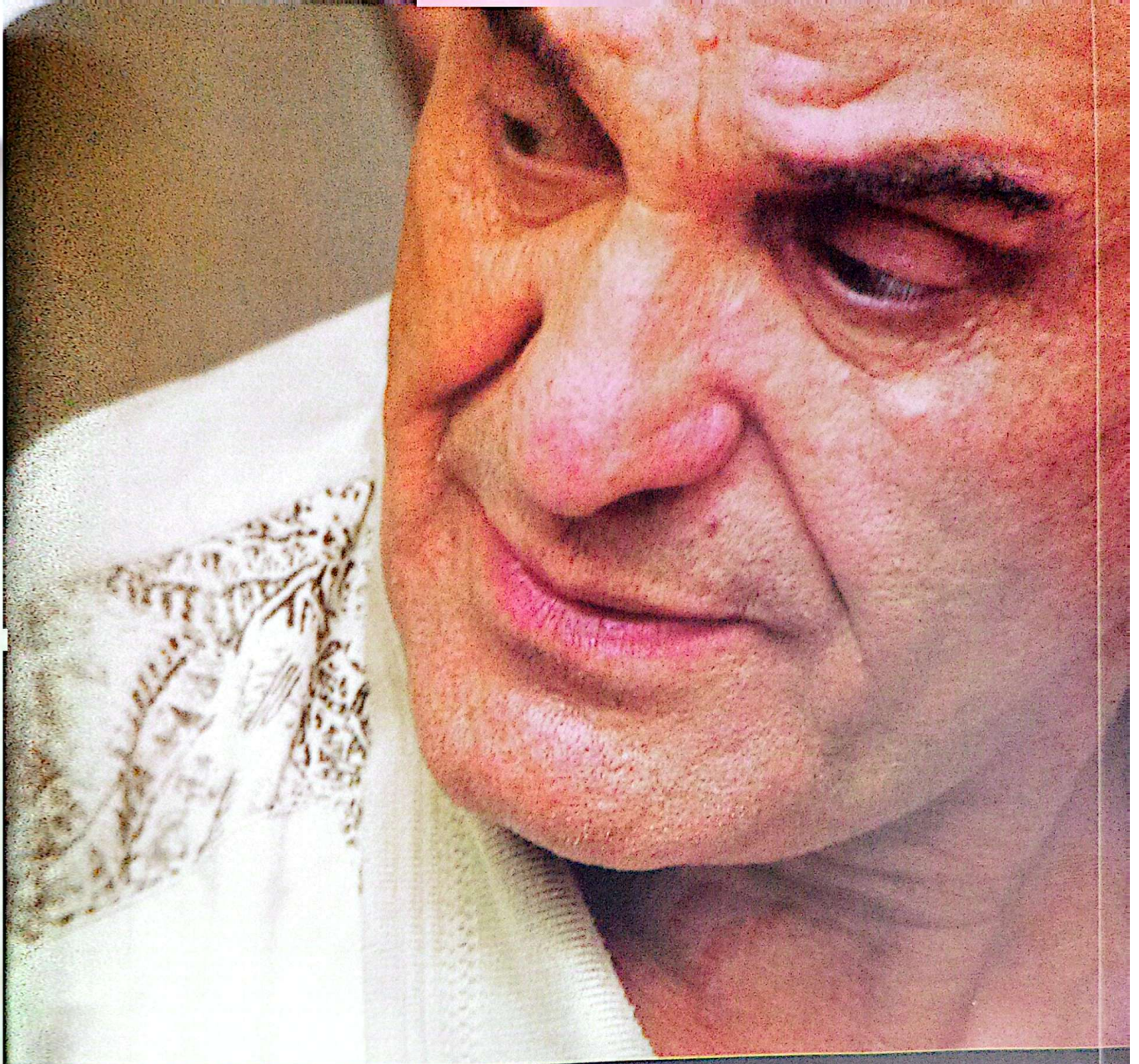
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

صَلَّى عَلَيْنَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الحمد لله رب العالمين  
صَلَّى عَلَيْنَا





## • نقد هنری تئاتر و تفاوت آن با نقد ژورنالیستی و نقد آکادمیک

دکتر قطب الدین صادقی

چکیده

تقسیم‌بندی نقد تئاتر به سه بخش: ژورنالیستی، آکادمیک و هنری از ماست، اما باید مبادوری کرد که پیش‌تر به نقد ژورنالیستی و نقد آکادمیک در ایران بارت در مباحث کلی نقد ادبی، دو دسته نقد را از هم متمایز کرده‌اند. کلامن در برابر نقد آکادمیک، نقد ژورنالیستی را در برابر نقد آکادمیک را در برابر نقد تفسیری قرار می‌دهد. به هر حال، مبحث ما در مقوله‌ی نقد تئاتر با مباحث آکادمیک، نقد ژورنالیستی و نقد آکادمیک در این پژوهش، فرضیه‌ی ما این است تا با تشریح کارکردی بودن نقد هنری تئاتر، نشان دهیم چنین نقدها در نقد ژورنالیستی، نقد آکادمیک و نقد هنری، یا نقد آکادمیک که خنثی و فاقد پیوند با فعالیت‌ها و مسائل زنده‌ی روز است، ویژگی‌های بسیار متمایز از نقد ژورنالیستی و نقد آکادمیک است. که با حقیقت و راستی همواره سه عامل اصلی موجودیت نمایش، یعنی نمایش‌نامه، اجرا و تماشاگران را در نظر می‌گیرد تا هم در جهت توسعه‌ی زبان هنری تئاتر روزگار خود کام بردارد و هم در جهت توسعه‌ی اندیشه‌ی انتقادی دورانی که در آن می‌زیست، نقد هنری تئاتر را به نقد آکادمیک و نقد ژورنالیستی هنر نمایش باید دارای سه ویژگی: دانش، استنباط و وجدان حرفه‌ای باشد.

واژگان کلیدی:

پیش فرض، تحلیل روشن‌مند، بازخوانی، تفسیر، مضامین پنهانی، تحلیل ساختاری، تئوری تجربیدی، استنباط، وجدان و نقد، استعاره‌های تئوریک



از راه‌های ارزنده‌ی نظم و معنا و شور بخشیدن به فعالیت‌های هنری در هر دوره‌ای نقد و اشاعه‌ی فرهنگ نقد است، زیرا با نقد های نوین اندیشه و معرفت را می‌توان تجربه کرد و از باورهای علمی و فعالیت‌های فرهنگی سبک، به علمی معرفت علمی و گسترده و پوی ریشه‌دار رسیده و چون جوهر کار هنر در نهایت تمیز و تشخیص با ناسره است، کلا دیدگاه منتقد را می‌توان نوعی «گسست باوری» به معنای مدرن دانست که در نهایت به شکل جدید در عقلانیت دوره‌ی جدید وجود می‌آورد و این برخلاف روش‌های مابعدالطبیعی است که در آن پس نگرش بر پدیده‌ها را نه بر «تعمق» بلکه بر «وحدت» می‌گذارند. هنر ندارد که نقد در چنین جامعه‌ای با روش‌های کلاسی معناست و در عمل «نقد» به «کاریکاتور نقد» تبدیل می‌شود.

پس ما در این گفتار این است که با روش‌های درست از نقد هنر نمایش، دیدگاه و عملکرد آن را در رشد و بالندگی فرهنگ نوین نمایشی دوران جدید تشریح کنیم و بگوییم مهم‌ترین کار نقد آن است که معنا نباید بی‌معنا هنر نباید ابتذال و راستی نباید در حلقه داده شود. مورد خود مفهوم نقد نمایش، که بررسی و موشکافی دوباره‌ی فعالیت‌های نمایشی دیگران است، باید گفت کلا کار نقد تشریح عناصر مختلف اثر، توضیح رابطه‌ی متقابل آن عناصر بر یکدیگر و در نهایت توصیف تأثیری است که سرانجام آن اثر بر مخاطب می‌گذارد و مهمی سخن ما این است که این «بررسی و موشکافی» دوباره را که به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد، توضیح دهیم و بگوییم کدام روش درست و کدام روش نادرست است.

- از دیدگاه ما نقد تئاتر سه شکل یا سه روش متفاوت دارد:
۱. نقد ژورنالیستی؛
  ۲. نقد آکادمیک؛
  ۳. نقد هنری.

### نقد ژورنالیستی

نقد ژورنالیستی ماهیتی گزارش‌گونه و تبلیغی دارد و پیش از آن که امری فرهنگی به حساب آید، بیشتر امری تجاری است. هدف از نگارش و انتشار این نقد در بهترین حالت، هدایت یا سوق دادن تماشاگران برای خریدن بلیت‌های یک نمایش؛ و در بدترین حالت، جلوگیری از کامیابی تجاری آن و رویگردان کردن تماشاگران بالقوه از دیدن آن نمایش است. کار این «گزارش‌نویس» این است تا به قول رولان بارت دائماً «ترجمه» کند و آن‌چه را دیده یا شنیده است، پس از افزودن احساسش، گزارش یا «ترجمه» می‌کند (Barthes, ۱۹۶۴, p. ۲۵۵).

بهترین ویژگی او بینش کوتاه و بسته و محدود اوست. از آن بدتر، گزارش او به شدت شتابزده و سطحی است و بنیان مطالبش بر احساس صرف و خاص است که گهگاه با نظریاتی سطحی، پراکنده و بی‌ربط تزیین شده است. بدتر از همه آن که این گزارش‌نویس در چارچوب کلیشه‌های ریز و درشت گذشته زندگی می‌کند و از هر نوع شکل، فکر و ابتکار تازه وحشت دارد این ویژگی کلیشه باوری کلا به او هویتی سرشار از پیش داوری و پیش فرض‌های تردیدناپذیر می‌بخشد. بدیهی است با این روش او از هر اندیشه و ابداعی، تصویری ناقص، ناکافی و سخت عامیانه دارد. بنابراین،

در نوشته‌هایش هیچ کار دیگری جز بازسازی ذهنیات عوامانه و کهنه نمی‌کند. از همین‌رو، فهم و درایت او از اثر هنری گاه در حد و اندازه‌ی یک تماشاگر معمولی هم نمود نمی‌یابد.

این «شبه نقد» که دارای ماهیتی «مصرفی» و «فوری» است، زمانی تلخ‌تر و زمخت‌تر می‌شود که به دلیل خوش خدمتی نویسنده به این یا آن «دولت»، یا فلان و بهمان «جناح»، «گرایش» یا «دستگاه» نوشته‌ای از آب در می‌آید، که در دو حالت افراطی «ستایش» یا «فحاشی» سیر می‌کند و از این نظر به شدت «احساسی»، جانبدارانه، و باز هم سرشار از پیش داوری و تبلیغ ظاهر می‌شود. در این‌جا منتقد دیگر مُبلغی فاقد دیدگاه‌های هنری نو، پیشرفته و تحلیلهای روشمند است. او ابزاری است فاقد استقلال رأی و اندیشه. کارمندی است مودب و مطیع که جز اشاره‌ی مدیر یا سفارش دهنده، ارزشی نمی‌شناسد. بنابراین، نقد او به سود فرد یا جناح خاصی نوشته و چاپ می‌شود و به همین دلیل نقدش کاریکاتور نقد است، زیرا مخدوش کننده‌ی ارزش‌هاست. ناگفته پیداست اطلاعات او از اثر، ناقص، تحریف شده و به شدت غیر مستدل است. زبان غالبی هم که او در نوشته‌اش به کار می‌گیرد، معمولاً سرشار از تهمت، ناسزا، افترا و فحاشی است. گستاخی مهم‌ترین ویژگی زبان این شبه نقد است. بنابراین، جنبه‌های متعدد چاپلوسی و تملق یا فحاشی و تبلیغ چنین نوشته‌هایی، باعث می‌شود که دروغ و باندبازی از هر پاراگراف آن فریاد بزند و کلا نوشته‌ای چنین، نه شیرین و خواندنی، بلکه به شدت عبوس و تلخ بنماید و در نتیجه فضای نیم‌بند هنر و فرهنگ ما را از آن‌چه هست، تلخ‌تر و ناامن‌تر جلوه دهد.

روش زشت و نکوهیده‌ی دیگری که این «نقد ژورنالیستی» برای تخریب ارزش‌ها و ناامن کردن فضای هنری ما همواره در پیش می‌گیرد، اغلب سکوت مودبانه و بایکوت سازمان یافته‌ی آن به هنگام اجرای آثار هنری جدی و خلاقانه‌ی کسانی است که منتقد روزنامه با آن‌ها همخوانی فکری و مردمی ندارد. به گونه‌ای که در طول زمان اجرای نمایش نه نقدی نوشته می‌شود، نه گزارشی به چاپ می‌رسد و نه حتی درج خبری کوتاه از روی صحنه رفتن یا به پایان رسیدن اجرای نمایش در آن وزین‌نامه‌ی باندباز به چشم می‌خورد.

بنابراین، روشن است که این شبه نقد ژورنالیستی هیچ تعهد صنفی، اخلاقی یا اجتماعی خاصی نسبت به هنر نمایش و جامعه‌ی تئاتری دوران خود ندارد و تنها کارش قطع کردن راه‌های ارتباطی اثر هنری و خالق آن با مردم و تماشاگران است؛ به گونه‌ای که نوکر صفتی، مطلق زدگی و داوری‌های شتابزده منتقدی از این دست باعث می‌شود تا نتیجه‌ی کارش چیزی جز ضعیف‌کشی یا کرنش در برابر بزرگان نباشد، زیرا به قول ناتالیا گینزبورگ، او کسی نیست که نقدش کمک‌مان کند تا از آن‌چه هستیم تواناتر و نیرومندتر باشیم، او فقط می‌خواهد ما، «چیز دیگری» شویم که او دوست دارد (گینزبورگ، ۱۳۷۰، صص ۳۶-۳۷).

بدبختانه چنین منتقدی هیچ چیز را در جایگاه خود و مناسبات آن درک نمی‌کند و هیچ «بدی» را از «بهرتر»ی تمیز نمی‌دهد، زیرا مقوله‌ی نمایش و کلا هنر برای او «کالا»ست نه فرهنگ و وسیله است و نه هدف.



## نقد آکادمیک

نقد آکادمیک برخلاف نقد گزارش‌گونه‌ی ژورنالیستی که سخت احساسی، چرب‌زبان، عوامانه و بدون مهارت‌های ادبی است، اساساً نقدی است متین، وزین و دارای توانایی‌های زبانی و اصطلاحاتی دانشگاهی و ادبی و فلسفی که از دایره‌ی شناخت روزمره‌ی اغلب تماشاگران معمول نمایش به دور است. این نقد به اثر نمایشی نه چون یک پدیده‌ی زنده‌ی اجرایی، بلکه هم‌چون متنی ادبی و نوشتاری می‌نگرد که نزدیک شدن به آن تجربه و تخصص ادبی - دانشگاهی خاصی را می‌طلبد که در همه‌ی سنت‌های تاریخ ادبیات نمایشی ریشه دارد و سخت وابسته به ویژگی‌های سبکی و تاریخی خاصی است که اثر در چارچوب و شرایط آن پدید آمده است. منتقد، نقد خود را چون پژوهشی جدی و بی‌آزار - که اغلب هم فاقد هرگونه پیوند و رابطه‌ی ملموس با وضعیت تاریخی - اجتماعی ویژه‌ی آن است که نمایش در آن اجرا شده - می‌نویسد. این نقد سرشار از بررسی‌های روان‌شناسانه‌ی شخصیت‌ها، تحلیل رابطه‌ی شکل و محتوا، ظرافت‌های زبان نوشتاری، درون‌مایه‌ی اثر و ویژگی‌های ساختار دراماتیک نمایشنامه است و منتقد این کار را به یاری واژه‌نامه‌های خاص و اصطلاحات فنی و اغلب خارجی انجام می‌دهد و هیچ کاری به تفسیر روز یا قدرت تطبیق آن با وضعیت اجرایی و بازخوانی نویسنش ندارد.

این نقد کاری به تربیت ذوق و تلطیف عواطف تماشاگران ندارد و هدفش افزایش آگاهی‌های مردم از هنر نمایش نیست. مبارزه‌ی او نه علیه سادیسندی عوامانه در جریان خلاقیت‌های نمایشی، که مقابله با نوگرایی و پاس‌داشت ارزش‌های تثبیت شده، تابووار و مقدس گذشته است. شخصاً منتقدی می‌شناختم که از ایسن به این سو هیچ درام‌نویسی را قبول نداشت و دشمن بی‌رحم بکت، ژنه و یونسکو بود و فن شعر ارسطو بزرگ‌ترین مرجع و منبع او به حساب می‌آمد.

پیدااست خواندن نقدهایی از این دست که مآخذ نقد آن‌ها نه اجرا بلکه تنها متن نمایشنامه است، هیچ تصور پویا و زنده‌ای از ابعاد واقعی نمایش روز را در بر ندارد. لذا این نقد به شدت اسیر ارزش‌های قدیم آکادمیک و تحلیل‌های مبتنی بر تکرش‌های کهن و زیباشناسی کلاسیک نهفته در کتاب‌ها و خاص کلاس‌های دانشگاهی است. این نقد هم‌چون پاسبانی محترم، حافظ ارزش‌هایی است مقدس‌مآب، کم‌خون و بسیار کتابی که نه اعتنایی به تجربیات نوین دارد و نه نیازمند پیوند دادن خود با جریان‌های متری و پیشرو زمانه است. بنابراین، نه کنجکاو است نه پژوهشگر؛ و به جای طراوت و کشف معانی نهفته، بیشتر مدافع روش‌ها و سبک‌های قدیم و راه‌های هزار بار رفته است. از این نظر فاقد ظرافت و تازگی‌های تحقیق است و در بیان مطالب هیچ شیوه‌ی دلپذیری در هدایت خواننده از اندیشه‌ای به اندیشه‌ای عمیق‌تر تا ژرف‌ترین لایه‌های فکری ندارد و فقط در حد تشریح اصول ظاهری کهن متوقف شده است.

نوع دیگر از این نقد لباسی از فخر و غرور تئوری‌های جدید و «اصول و زیباشناسی نو» همراه با زرق و برق یافته‌های پست - مدرنیستی دربردارد، و در به کارگیری اصطلاحات فرا زبانی، مینی‌مالیستی، تئوری مؤلف، جدول آکتانسیل و اندیشه‌های سوسور، بارت، امبرتو اکو، لئوتار، گادامر، دریدا و دیگران گاه چنان راه افراط و تفریط می‌رود که تماشاگران معمول نیازمند هدایت و راهنمایی را که تشنه‌ی دانستن هر چه بیشتر درباره‌ی نمایش‌اند،



سردرگم و از هر چه هنر است، سیر می‌سازد. به ویژه که زبان خود ترجمه‌ای و ناسفته‌ی اینان را که گاه بسیار «فصل قرونه» و گاه «ناتوان و عقیم» است، کسی نه درمی‌یابد و نه برمی‌تابد این خردساز «تجریدی» سخت تئوری‌وار، و بیش از حد پرگوست و دیباچه‌ی جزئیات چنان مته به خشخاش می‌گذارد که ما گاه فراموش می‌کنیم نقد وسیله یا زبانی است شفاف، صریح و قاطع که باید به یاری آن حسی و بی‌تزلزل در پی بیان اشتباهاتمان برایم و دانسته‌هایمان را حکم ایراد دیگری که می‌توان فوراً بر این گونه نقد وارد کرد جوئی تجربیات صحنه‌ای و کلیه تکنیک‌های دیداری و شنیداری است که اجرا به یاری متن می‌آیند و اتفاقاً اگر سخنی هم در این باره بگویم همان زبان تجریدی بدون شناخت ملموس و عینی آن عناصر است. افزود اساساً نقد آکادمیک چون جای نقد و نظریه را با هم گشته است، «قرائت متنی» را همان «قرائت صحنه‌ای» می‌داند و سرچشمی الهامات و انگیزه‌های هنرمند و تأثیر کار او بر اقتضای تماشاگر است. سود یک تحلیل ساختاری - تجریدی نادیده می‌گیرد زیرا همیشه ژورنالیستی - و این بار با توجیهی دیگر - در این جا نیز بیش تئوری‌مدار واقعیت‌هاست و ذوق و سلیقه و تربیت منتقد تئوری زنده بر تئوری ابداع و نوآوری کارگردان یا خلاقیت‌های هنری و اصیل گروه تجریدی شاید وجه تشابه دیگر نقد آکادمیک با نقد ژورنالیستی را باید توضیح داد که در هر دو روش، منتقد بیرون از چارچوب فعالیت‌های نمایشی و حسی تئاتر ایستاده است و از بیرون به درون فرهنگ تئاتر و امکانات آن می‌نگرد و ارتباطش با این هنر، به همین دلیل نسبتاً به دور از واقعیت‌های صحنه‌ای نقد هنری

نقد هنری مصداق این گفته‌ی نیچه در چنین گفت زرتشت است می‌گوید: «ارزیابی آفریدن است. تنها از راه ارزیابی درست است که هنر هست. زیرا بدون ارزیابی، گردوی هستی پوک خواهد بود» (نیرجه ص ۸۱).

برخلاف نقد احساسی و سلیقه‌ای ژورنالیستی، و نیز نقد بیش از حد تجریدی آکادمیکی که رویکردی ادبی نسبت به نمایش دارد، در نقد هنری به جای سلیقه، دانش و به جای برخورد ادبی و تجریدی، تحلیلی تأثیرات متقابل و ارگانیک سه عامل اصلی نمایش یعنی «اجرا» و «تماشاگر» را در نظر می‌گیرند و هیچ یک را نیز بدون دیگری نمی‌فهمند و نه بررسی می‌کنند.

در اینجا کار منتقد نه ستایش و فحاشی، یا بحث‌های ادبی و فصل‌فروشی











فستواله دا تووشم نه بووه به تووشی هیچ هونه رمدلديکی  
 کړوه که دژ به خودی رهخه بوسته یان به کاریکی  
 دوی برانیت. بگره همموان جا به پوښی کړدوه و  
 کوری بوچوونی باوی سردم بووون یان دهرته نجامی  
 و لیور دبوونه وی قوولی خوږیان، وواله ندا و به زمان  
 دوی نه وی به شان و بالی رهخه دا هه لایه و ریزیان لیناوه،  
 خنیکي سره کی و پیوست یو گډه نه شهی شانویان  
 هر له بهر نه شه زورچار خواریان نه بوون رهخه له  
 کتبان بگری به موهجه رهخه که به هراوه، زانستیان و  
 یتکی شایستی که سایه تی مروئیکي به بیر بیت به رانبر  
 بووونه یتکی خاوهن همت و هلوپسته به بارهت به مسله  
 که به کانی خوی یان کوملگاکی به شایستی راه کردن،  
 بکازی و بیستان، نهک بی ینسانان، نه زانده و لایه نگیرانه و به  
 یتکی شه خواریان سووک و چرووکی هر له توندوتیژی به  
 بهستی رهشکردن و ناوژراندن و سرکونهی کاره شانویه که و  
 بووونه کانی به شویوه کی رهها و هه ماله به نه.

به چنده رستهی سره وه گهرچی دارشستی منن به لام کاکله و  
 دوی همدی له داخواری و چاوه روایتیان، ههروه ها نه و  
 گډه شستن که له لایه هونه رمدنه شانوکاره کانه وه له چنده  
 لایه به شویوه کی راسته خوږ یان ناراسته خوږ دهرحق به رهخه  
 شوی به تایهت رهخه شایستی کوردی دراون به گویماندا یان  
 چمن هستان پیکردوه و ناگامان لیووه. به که میک وردبوونه وه  
 بیوخال لامان به رجهسته دهنه وه.

لغوته رمدنه شانوکاره کان بوونی رهخه گرتیان له فستواله کاند  
 به شوی به شاری شانوکاره کانه وه و پسرانی تری نم بواره نه تنیا  
 له چنده و لاریان لپی نیسه، به دریزه و نهواو کوری پرؤسه  
 لیکلوه و راه کردنی شانوشی داده تین.

له کانی له هه لسه نکاندیاندا مارج بو رهخه داده تین و رهخه به ند  
 گډه به نه پی و نایه وه. دپاره پینان وایه کوره رهخه به کان  
 بهستی چهوه ری و شیاوی خوږان نه پیکاره و رهخه شایستی  
 تروشی قهیرانه. به ممش پنگه لای هونه رمدنه لاق بووه و نه و  
 چره پیوسته قدری ناگری و له جیکه شیاوی خوی دانترئ.  
 دانی لیهات نه و راو بوچوونانیه له یوه دهرده چ به سووک سهر  
 دگری و کاریان پناکه. به باریکی ترده ده توانین بلین نهوچوره  
 رهخه وهک سسته میک له پرؤسه پیشکوتی شانودا که  
 لپو لایه به پروچوونی دروست به رهم بهیتی شه عیه تی خوی  
 بلریتی نه تنیا به رهمه کانی ته نانهت یاساکانی کار پیکردنیشی  
 سووک سهر ده کری. هه رچند له وانه به به شویوه به کی  
 زور که شانهش چوارچنوه کی بیارتی و زورینه خهک له بهر  
 همدی هوار کار تا ماوه به کی زور لپی نه یه نه دنگ و دوی نه وهستن،  
 بهروالت مل که چیشی بن.  
 همدی له و هوارانهش که دهنه هوی دلکرمولی سهارهت به

کوره رهخه یه شانویه گامان برین له

به کهم زمان؛ کانی نه لاق دهره سن و داده تین توندوتیژی هه لده سن  
 و سهرده ردین. به دلناییه وه به کی له رهه نده کانی توندوتیژی  
 نسهی رفق و نهوس و ناوینکه به، به داخووه زورچار ده پین کوری  
 رهخه گامان له جیانی نه وی گش و هه وایه کی هندی و نرم و  
 نیان بال بکیشی به سهریدا نورشی گرز و نالویه کی له راده به در  
 ده پینت و فرمه و ههرا و له بهگ روش بوونه جیکانی عه لایهت  
 و دیالوگ و بیوردا گورینه وه ده گرتوه. دپاره له بارو و خنیکي  
 لهو چه شنه دا هه رله به که ده وی زورترین وشه رسته له که تری  
 ماوه دا بگریته به رانبره که هه له بهر نهوش زوری ته کانی  
 له ناوژکدا کهم ترخن و که شیش به هه ندیان و درناگری. چونکه  
 شویازی دهرینه که هه زور به رانبره که هه هتاونه سهر نه و  
 قه ناعه ته نه ییاتی رهخه گره که، نه دیاتیکی نه یارانه به. که شیش  
 قسه له نه یار و درناگری که وایه وایه چاک دهرانی گوی یو شل  
 نه کا و دژ به چاک و خرابی بوه سیتوه.

دووهم؛ به نادوده رانه دانانی رهخه کان: نه گهرچی به ناسانی  
 ناتوانین هیچ کام له دوو وه سفی داده رانه و نادوده رانه به پین  
 به کول رهخه به کدا و بلین برینستی که چی زور جار ده پین  
 رهخه کان به به کی له دووچوره وه سف ده کری. نم چوره  
 بوچوونانیه له وانه به بو زور فاکتر بگریته بو نمونه به کیان  
 شویازی به کاربردنی زمان که بیشتر باسمن کرد به لام به لای نه وه  
 گرتگری فاکتر نه و حوکه به که رهخه گر زورچار شوی  
 سهره تا به لکه به پینه وه به شویوه کی زور سلیمان و رهشانه یان  
 به پینه وانه وه زور نیجایی و گه شینانه له کاره که دهری. که وایه  
 ناسایه له لایه نه وانه که کوک و هوارا تین له گډل تووشی  
 په رچه کردار بینه وه و رهخه که به بی ینسانان له قلم بلرئ.

سپه م؛ به نازانستیان دانانی رهخه کان: کوری رهخه کان دوی  
 ماوه به کی کورت له نواندن شانوکه دست پنده کات عیسی  
 نه ممش نه وه به رهخه گر نه دهره ته به ده سته وه نیه بو تیر و  
 تسهل و ههروه ها فره رهه نده کردنی باسه کی یارمته له  
 سهرچاوانه وهرگری که له وایه ته دهری هه یوه دهنی پشت  
 به و زاناریان به سستی که به شویوه کی بهر بهر و نیه و ناته وایه له  
 کونه له مشکیدا مارنه ته وه. زورچار رهخه گر خوشی لهو شنه ی  
 بیری دپته وه دودله و ناتوانی به دلناییه وه که لکان لپ وهرگری  
 و وهک تیر یان نمونه باسیان لپ بکات، ناچار له ترسی نه وی  
 تووشی هه لای زوق و ریسوایی نه ی واز له وایه بگریته وایه  
 میشکی دپت و رهخه به کی زوقی و مبله که به وشه گلی وه که  
 به بوچونی من، پیم وای، وایزانه و هند دهنی کات له لایه که وه نم  
 گومان و دوو دلنای رهخه گر ده گوارتیه بو به رده نکه کانی  
 و بگره لای نه وان گه وره تریش دهنی. له لایه کی تریشه وه چون  
 رهخه کاش بالیشکی تیری با بوچوونکی زانستی له پشت نیه  
 شوی خوی ناکانه وه و به همد و درناگری.









## نمایش سرودی سه دهه زار نؤفیلیای نه ویندار به کارگردانی امید خاکپور از مهاباد

طیفه بندی هایی که در مورد نمایش صورت می گیرد بسیار متنوع است که بتوان نمایش نامه‌ی سرودی سه دهه زار نؤفیلیای «سوز» نوشته‌ی دکتر قطب الدین را در یک سبک و شیوه‌ی خاصی نوشتاری قرار داد، هر چند در مورد فاکتورهایی از جمله آوردن رقص و آهنگ و فضای فاجعه‌ی انفال و ... و روایت نمایش نامه در هشت پرده‌ی تکی به شیوه‌ی روایی برشت می‌شود، اما از دیگر سو پراکندگی صحنه‌های مختلف به چندین اتفاق در طول زمان از این وادی نیز دور می‌گردد. با این حال از نظر نگارنده همین پراکندگی شاید منجر به سردرگمی برای مخاطب غیر کورد زبان شود و او را از لذت بردن سیر مشخص یک داستان بازدارد. برای مخاطب کورد زبان با آن پراکنده‌نیتی که از هر کدام از مسایلی که در متن به آن‌ها اشاره شده مؤثرترین فرم و ساختار به نظر می‌رسد تا آنکه هم قرار دادن تمامی این مسایل در مجموع داستان مظلومیت خود که همان نسل کشی توسط بعضی‌هاست، دنبال نماید. هم‌چنین شاعرانگی متن ناشی از برخورد نویسنده با تمام وجود با این مسئله‌ی انسانی است که باید بتوان گفت یکی از احساسی‌ترین متن‌های دکتر صادقی می‌باشد. حال باید دید کارگردان در مواجهه با این اثر به چه صورت برای دراماتیزه کردن حجم عسرت در متن عمل نموده است. کارگردان برخلاف متن که دارای ویژگی‌های حسی گوناگون می‌باشد

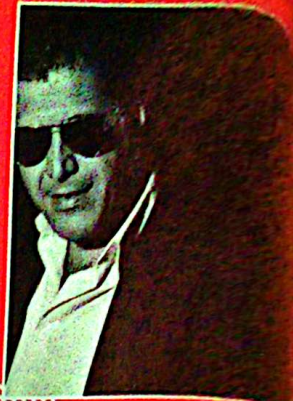
بسیار اجرایی‌تر و یا روی آوردن به یک سری میزانشن‌های مشخص طی و متعلم خود را در یک دور باطل قرار می‌دهد که همین باعث ایجاد خلأی در اکثر لحظات نمایش می‌گردد و حتی در بیان بازیگر نیز این تأثیر منفی نمایان است. تا جایی که بازیگر با تبعیت از میزانشن‌های کارگردان خود را در یک چارچوب بیانی مشخص قرار می‌دهد و سعی می‌نماید که در آن چارچوب فقط مطالب متن را فارغ از هرگونه تنوع و تغییر لحنی و آکوبه طبع که در بیان بیانی نیز به همین منوال عمل می‌نماید، همین مسئله بر جدی‌یکوالتی که بر فضای اجرا حکم فرماست تأثیر دو چندان می‌گذارد. این حال کارگردان در استفاده از دیگر عناصر اجرا از جمله موسیقی، نور و ... بسیار در جهت رسیدن به اهداف خود تا حدود زیادی موفق عمل نموده است و بیشترین تأثیر در اجرا را نیز همین عناصر خصوصاً نور و موسیقی برنده دارند که باید از عواملی که در این دو مورد مشخص کارگردان را یاری می‌دهند قدر دانی کرد. شاید بتوان گفت بارزترین نکته‌ای که در کارگردانی این اثر دیده می‌شد قسمت پایانی نمایش است که با برخاستن بازیگر مرد از میز خورده‌ی از اوار و مصائب سرود زندگی را پایکوبی می‌نماید که البته آن نیز به نوعی از خود متن سرچشمه می‌گیرد و همانا تأکید بر این نکته است که زندگی در کانون تمامی فجایع نیز باید ادامه داشته باشد.

پرویز احمدی









## گورال عه لی که ریم

په تان بو شائوی کوردی چیه و نهم فستیواله تا چند لینی نزدیک بووه تهوه؟

په شائوی کوردی سهقر به کیکه لهو فستیواله که من خوشه و سسته کی زورم بوی ههیه، چونکه له سهره تانی نهم فستیواله وه من وهک به شادار بووه ک  
ههسه بووه. دهه رانم که شائو کارانی له کوردستانی نیرانا و به تایهت شائو کارانی سهقر چند دلسوزانه خه ریکی به ریکردنی نهم فستیواله و  
به نگر زینر به نگر بکریت نهم فستیواله دههیت به په کیک له فستیواله سهر که وتوووه کانی شائوی کوردی. نومید ده کهم له نابنده دا شائو کارانی  
له کوردستانی تور کیش بانگهتشت بکیم.

برای تیوه کام بهک له شیوازه کانی نواندنی شائویی ده توانیت باشر کیشه کانی کومه لگای کورده واری ده بریرت و بوچی؟

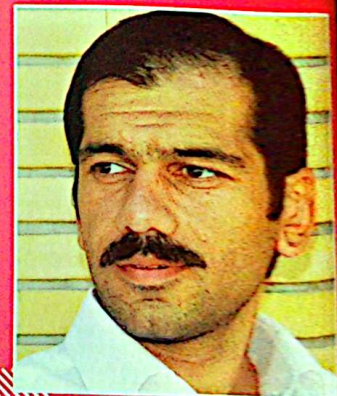
بیه که شائو کار له سهقر ریازیکی کاری شائویی ده کات، به لکوو کیشه که نهوه به که نایا نهو شائو کارانه به ج شیوه به کی باش ده توانی گوناری  
به ریگهتسن. بو به ماکریت بهک شائویی کار له نواندندا بکریت به لکوو دههیت سالانه شیوازی جیاواز و نواندنی جیاواز کار بکریت بو نهوه  
کاستی بی دهوله معند بکریت به لام ته گهر هاتو به کشتیوازی کار بکریت نهوا له بازنه به کدا ده خولینه وه.

په شیوازه نواندنی جهنابت هه لیتزار دووه بو کاره کت تاج راده بهک یارمه تیده و توانایه له گه باندنی ناوه رۆکی دهه که دا؟

له کار کوردی خرمدا هیچ کات ناتوانم خوم به ستمه وه به شیوازیکی دیار بیکراوی نواندنه وه له گه له نه کتیره کانمدا، چونکه من بوخوه له ناو شائو دا  
له سهره سستی ده کهم، زور جار دیمه نه کان یا خود حالته نواندنه که شیوازیکی تایهت ده خوازیت، بو نموو نه لهم شائو به ماندا هه لیدیک جار سووده له  
له تانی بریرت) و هه لیدیک جار لای (بیتهر برووک) و یان لای (مایره هولد) وه رگرتوووه. بیه وایه نیتر نمایش خوی ناراسته به کی دیار بیکراو و تایهت  
خوی بووه گرت و رهنگه بیه ریش ههست بهم ناو ته بوونه نه کات.

شاره زایی ده رهتته ره پیچ و په نای زمانی کوردی چ کار بیکره کی هه به له سهر که وتن و نه که وتنی شائویه کی کوردی؟

یک له تایه ته تیده کانی شائوی کوردی، زمانی شائو که به، چونکه کیشه شائو کار هیچ ریازیکی تایهت به خومان نیه ناوه کوو بناسرینه وه، به لکوو  
به هه مانه شیوه زاری کوردیه، بنگومان دههیت ده رهتته شاره زاییه کی باشی له زمان و ریزمانی کوردیدا ههیت ناوه کوو بزایت چون ده توانیت نهوه  
ههت بیکه به تیت. دهه وهی شتیکی تریش بلیم نهک ته نهها ده رهتته به لکوو نه کتیره ش بیهستی به شاره زایی زمانی کوردی هه به.



## حمید رضا احمدی کوردستانی

1- پیتسه تان بو شائوی کوردی چیه و نهم فستیواله تا چند لینی نزدیک بووه تهوه؟

ماند تعاریف مختلفی برای تئاتر کوردی وجود داشته باشد، اما برخی تعاریف می تواند به چشم اندازی که برای تئاتر کوردی در آینده وجود دارد نزدیک تر  
باشد. اما متأسفانه برخی تئاتر کوردی را فقط اجرای تئاتر به زبان کوردی و یا فقط اجرای اینها و رسوم بومی منطقه می دانند که اشتباه است و به نظر من  
تئاتر کوردی می بایست جدا از زبان دارای شاخه ها و نشانه ها و دغدغه های کوردی باشد.

2- برای تیوه کام بهک له شیوازه کانی نواندنی شائویی ده توانیت باشر کیشه کانی کومه لگای کورده واری ده بریرت و بوچی؟

سه دیار جشنواره ی تئاتر کوردی به نسبت دوره های نخست ارتقا یافته است و این ارتقا و تلاش بر رشد به سمت الی تئاتر کوردی کاملاً مشهود است  
اجتی تقدیر دارد. هم از برگزار کنندگان و هم تمامی هنرمندان شرکت کننده که دغدغه ی جشنواره ی تئاتر کوردی را دارند.

3- نهم شیوازه نواندنی جهنابت هه لیتزار دووه بو کاره کت تاج راده بهک یارمه تیده و توانایه له گه باندنی ناوه رۆکی دهه که دا؟

به نظر من انتخاب یک سبک نمایشی برای اجرای تئاتر کوردی و انتقال دغدغه ها و انتظارات منطقه ی کوردی اهمیت ندارد بلکه نمایش نامه و نحوه ی  
پرداخت و اجرای اینها را لحاظ کیفی حایز اهمیت است. حال در هر سبک و سباقی.

4- شاره زایی ده رهتته ره پیچ و په نای زمانی کوردی چ کار بیکره کی هه به له سهر که وتن و نه که وتنی شائویه کی کوردی؟

سه ساخت لمحیح کارگردان از جزئیات زبان کوردی می تواند خیلی تأثیر گزار باشد در موفقیت تئاتر کوردی و کارگردان با انسان وازگانی کامل تر و  
تعیین مناسب می تواند به ابغای تئاتر کوردی کمک کند.



## انسان با نخستین رنج آغاز می‌شود

نگاهی به نمایش «گیلگمش» نویسنده و کارگردان؛ رحیم عبدالرحیم‌زاده

گیلگمش یکی از قدیمی‌ترین متون افسانه‌ای و اساطیری است که در حدود ۲۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در منطقه‌ی بین‌النهرین توسط سومری‌ها بر روی ۱۲ لوح گلی مکتوب گردید، تا اساسی‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم و دغدغه‌های بشر را ثبت نماید. «جاودانگی و مرگ» مفاهیمی که بشر در تمام دوران و از همان لحظه‌ای که فراغتی برای روی آوردن به هنر به دست آورد، همواره در آثار مختلف و به شکل‌های گوناگون به آن پرداخته است. این دو مفهوم اساسی و متضاد که در این داستان به آن پرداخته شده، علی‌رغم گذشت ۵۰۰۰ سال دستخوش کهنگی و فراموشی نشده است.

در متنی که رحیم عبدالرحیم‌زاده براساس این اسطوره به رشته‌ی تحریر درآورده، با استفاده از تکنیک جابه‌جایی زمان انتهای داستان را در ابتدا می‌آورد، که مرگ گیلگمش است و از این نقطه به نقطه‌ی شروع شخصیت اصلی بازگشت می‌کند. کسی که در ابتدا غیر از فرمان‌روایی ظالمانه و بیدادگرانه چیز دیگری از جوهره‌ی وجودی خودش بروز نمی‌دهد، مردمان شهرش نیز از این موجود، که دوسوم خدا و یک‌سوم انسان است، به ستوه آمده‌اند. نهایتاً پس از تقاضای مکرر مردم از خدایان برای خلق رقیبی که بتواند در مقابل این قدرت نابودگر بایستد، خدایان آنکیدو را خلق می‌کنند. حال دو نیروی تقریباً برابر در مقابل یک‌دیگر قرار می‌گیرند و این سرآغاز تحول گیلگمش می‌گردد و از دل این تحول (از نگاه نگارنده) مسئله‌ای دیگر سربرمی‌آورد، که چه در اصل داستان و چه در نمایش مورد بحث، کمتر به آن پرداخته شده است که همانا خلاء درونی و احساس نیاز هر انسانی برای پیدا کردن نیمه‌ی گمشده‌ی خویش و ملحق شدن به آن است.

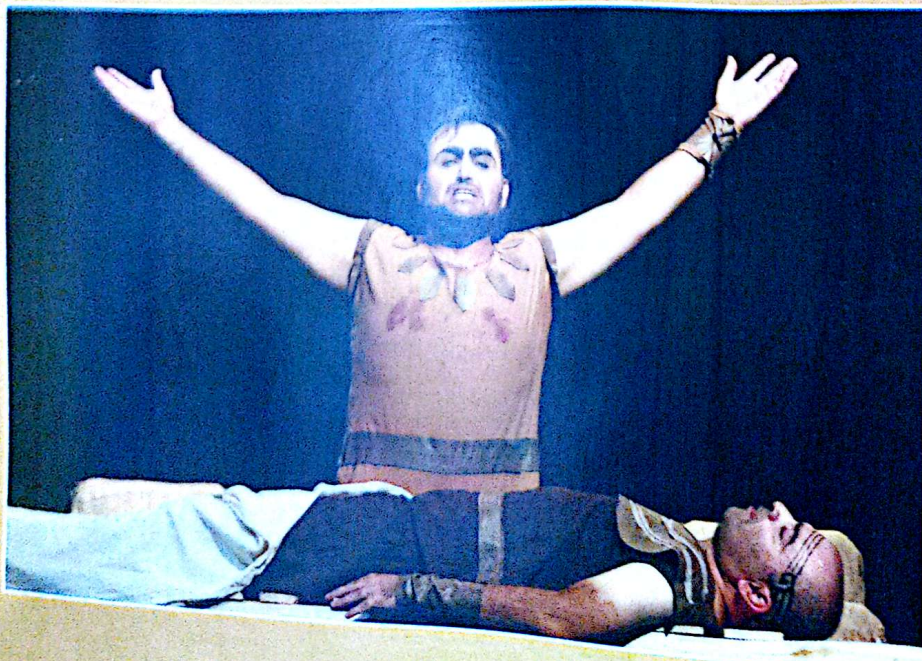
گیلگمش با پیوستن به آنکیدو، بُعدهای دیگر وجود خود را که بیشتر به سمت انسانی شدن میل می‌کند باز می‌یابد و بُعد خدایش که دوسوم وجودش را تشکیل می‌دهد، رنگ می‌بازد. اکنون با پی بردن به نیازهای بشری و تهدیدهایی که پیش روی بشر است، در راه مواجهه و مبارزه با آن‌ها قدم برمی‌دارد، و هر چه جلوتر می‌رود وابستگی‌اش به آنکیدو بیش‌تر می‌شود اما پس از ورود به قلمرو خدایان و کشتن گاو آسمانی، آنکیدو مورد نفرین خدایان قرار می‌گیرد و می‌میرد.

این دومین مرحله از تحول گیلگمش است که همان احساس رنج است و پس از این در جستجوی جاودانگی می‌گردد با این تفاوت که این بار نه فقط برای خودش نمی‌خواهد، بلکه از رنج خودش که از انسانیت هم‌زادش است به رنج دیگری بی‌می‌برد که همان مردمان شهرش هستند و در لحظه‌ای نیز که آن را به دست می‌آورد یک لحظه غمت که از ناشی از فکر رساندن آن گیاه جاودانگی به مردمش است آن غمت را به باد می‌دهد و گیاه را از او می‌ربایند. همین لحظه‌ی غمت در پایان آخرین مرحله‌ی تحول گیلگمش است که این بار کاملاً اساسی می‌شود و هدفش از یک امر شخصی به یک آرمان اجتماعی تبدیل می‌شود. ناگزیر در معادله‌ی انسان، زندگی و مرگ قرار می‌گیرد و همین به آن است که می‌تواند جاودانگی به همراه بیاورد. اگر از این منظر به نمایش نگاه شود وجه پوچ‌گرایانه‌ی داستان کمرنگ می‌شود.

در اولین مواجهه‌ی مخاطب با اجرا که بروشور نمایش است مشاهده‌ی واضحی از مفاهیمی که به آن اشاره شد در طراحی آن به خوبی مشاهده می‌شود. کارگردان همچنین از عناصر اجرا همچون نور، فضا، آکوستیک، صدا و گریم در جهت بیرونی کردن محتوای متن استفاده‌ی مناسبی می‌کند. خلق فضاها و موقعیت‌های نمایشی متفاوت، مخاطب را برای همراهی با داستان ترغیب می‌نماید.

میزانسن‌ها، حرکات و ژست‌هایی که برای بازیگران طراحی شده برده‌ی نمایش، مرحله به مرحله سیر تحول شخصیت اصلی را نشان می‌دهد. صحنه‌ی پایانی نمایش که از تأثیرگذارترین صحنه‌ها می‌باشد تا آنکه بازیگران به حافظه‌ی جمعی‌مان وارد می‌کند ما را متوجه اتفاقات دوره‌ی دومین مرحله‌ی این هشدار را می‌دهد که اگر هوشیارانه عمل نکنیم ممکن است شخصیت‌های دیگری اتفاق بیفتد چرا که نشانه‌های آن همچون غبار مرگی که در صحنه بر بالای سر خود حس می‌کنیم به‌خوبی هویداست و این ترسست‌ساز نقطه‌ی اتصال داستان، کارگردان و مخاطب است.

پرویز حسینی





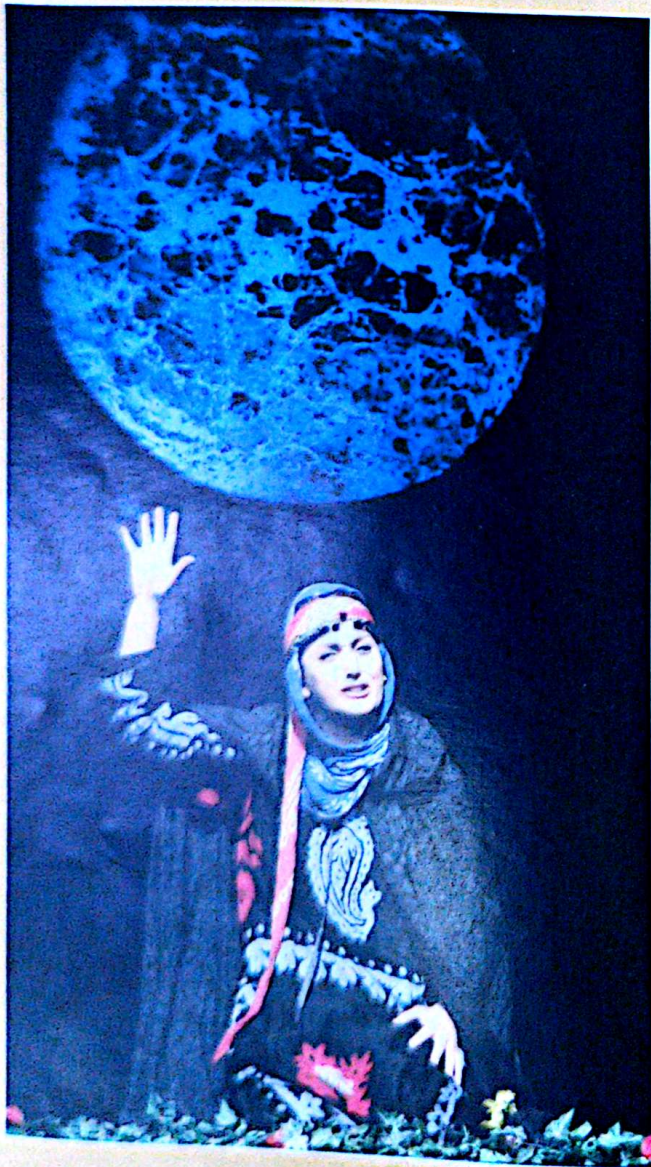
## سرودی سه دهه زار ئوفیلیای نه ویندار»

مهرابی

ئهلبهت نه گهر برامان بئ که لهم شینوازه و به نایبته له کاری  
مۆنۆلۆگ دا نه وه ئیشیکی گرینگه که جیا له گیرانه وهی باسئیک به  
ههلبژاردراوترین جولهی نه کتهر و تیکه لکردنی نه و جوله له گه  
رووناکی و ئاکسیسوار، دیمه نئیکی جوانی ناسانهی وه ک تابلویه ک  
بخولقینین که بتوانی له سه رهستی بینه کاربگه ری هه بئ. به  
کورتی نه م شانویه له باری بینه وه بریک تابلویه کی جوانی ناسانهی  
هینایه بهرچاومان و له باری بیستنیسه وه شیعریک که سرودی سه ده  
ههزار ئوفیلیای نه ویندار - و نه لیبته برینداریش! - بو واته له بواری  
هونه ره وه ئیشیکی پته و بوو.

ههستی نه نال به شیک له به سه رهستی ژبانی خویه تی...  
ئوفیلیا ده گهیری... هاوکات دهستی له دوو ته جروهه،  
واقعی خوی و ته جروهه ی ئیشی هونه ری خوی وه ک  
به گهیریک - بو پیشاندانی نه و ناساته و ناکامه کانی  
ئوفیلیای نه ویندار... که واته نه م ژنه که هاوکات  
بیهوش نیه. ده به وئ سرودیک دهستی پئیکا. سرود چیه؟  
دهستی به زمانی هه والیبیریک پئیکه ری؟ سرود زمانیکی  
دهستی سرود به شیکه له هونه ری شاعیرانه و له زمانی  
ده خولقین. زمانی شاعیرانه ی دهه کانش، رۆلگیزیان  
بیریکی شاعیرانه یان ده وئ. ناکری هاوکات، بمانه وئ  
بستن و له هه مان کاتیدا بمانه وئ هه مان شاعیر شیعری  
بیریکه ریته وه و بهیته سه ره زمانیکی رنالیستیک و  
هونه ری نه وه ییش بین که فۆرمی هونه ری تیک نه شکئی و  
خوی پارێزی!

به نه م شاتودا، ده رهینه ره وه ک شاعیریک - نه وه ک  
بیریکی چیرۆکیکی رالیستی - ده ست نه داته خولقاندنی  
بئکان و به عه نیته ده رهینانی بیروبوچونئیکی شاعیرانه له م  
چۆنه تی ده رهینان و دیزاینی رووناکی یه کئ بوو له و  
عیهت ده رهینانانه و ههروه ها چۆنه تی به جوله ده رهینانی  
هه ری ژن - که تا که رۆلگیزی نه م کاره بو - گه رچی له کۆتایی  
بیریکی تریش (پیاو) ساتیک دیت و نه ویش به پئی زمانی  
بیریکه ری که، دیمه نئیکی شاعیرانه ی پته و ده خولقینئ. واته ته نیا  
بیریکه ری به شی ره وایه تگه ری کاره که - ژن - به پئی نه م زه روره تی  
بیریکه ری شاعیرانه - که هه لبهت نه م زه روره ته هه لبژاردراوی ده رهینه ره  
بیریکه ری چۆنیک بۆ هه لبژاردنی شینوازی ده رهینان و فۆرم دان به کار  
بیریکه ری پئیکه اتنی وه ها پئیرفۆرمه نسی که ئیتر دیتنیشی ده بی له  
بیریکه ری شاعیرانه وه بئ. یانی بینه ره له ساته کانی هه وه لدا - ده بی -  
بیریکه ری له وه ی که بۆ بستن و بینه ی هه واله کان - وه ک شیوه ی به یانی  
بیریکه ری - یان چیرۆکیکی واقیعه گه رایانه دانه نیشته، به لکو نه مه  
بارده و زمانیش زمانیکی شاعیرانه. نه وه ییش له بهرچاومان بئ که  
بیریکه ری ده رهینه ره، ده قئیکی مۆنۆلۆگ هه لده بژیرین، ئیشه که مان  
بیریکه ری باره وه دژوارتره. بۆ نه وه ی هه موو باری ره وایه ته که له  
بیریکه ری تا که که سینکه که ده بی هه موو توانه ندیه کانی وه کار بهینین.  
بیریکه ری رۆلی ژن له م کاره دا وه ک بینمان توانایه کی زۆری پیشان  
بیریکه ری وه ک هونه ره یه ک هه موو جوله کانی و ده نگی خوی  
بیریکه ری بۆ نه وه ی له و زه روره ته که باسمان کرد، پای نه هیته ده ره وه  
بیریکه ری شیوه به یانیکی جیاواز له به یانی نه و سروده نه چئ. هه موو  
بیریکه ری کان خاوه ن پئیرفۆرمه نسیکی جوانی ناسانه بون. یانی بینه ره هه موو  
بیریکه ری کان و له گه ل هه موو جاریک که رووناکی ده کۆردرا ده ی توانئ  
بیریکه ری به کامیرای زهینی خوی وینه یه ک بکیشئ! و وه ک بینه ی  
بیریکه ری که حه زی لی بیات. بۆ نمونه ده رهینانی نه و دیمه نه ی که ژن  
بیریکه ری مانگی به شیوه و بیچمی ده ف له نیوان دو ده ست ده گرت.  
بیریکه ری دوایین به شی شانۆ که واته ده ره اتنی جهسته یه کی خۆلای  
بیریکه ری خا کدا، هه مدیسان هه ستیکی جوانی ناسانه ی پته و ی به دوا وه بوو.











## نگاهی به نمایش «هه لو»

نمایش هه لو چندسال پیش به نام «بیا ای مرگ زیبا» توسط نویسندگی اثر عبید رستمی کارگردانی شد و توانست دست‌آوری سپرین و به یادماندنی برای گروهش به ارمغان بیاورد به صورتی که در جشنواره‌ی استانی کارگردانی، نویسندگی و بازیگری اول را دریافت نمود. همین کافی بود تا با دید مناسب برای دیدن کار بروم و قابل ذکر است کارگردن مثنی با این ادعا اگر از اجرای پیشین خود بهتر نباشد ریسکی بزرگ است.

این نمایش پرندگانی را روایت می‌کند که به سوی سیمرغ هزاربال و جاودانگی در حرکت‌اند و این مسیر را می‌پیمایند و به طبع آن عقاب که این روزها پیر نیز شده است در مسیر به پرندگان برخورد می‌کند که هر کدام روایتی از زندگی و مرگ را برای او بازگو می‌کنند.

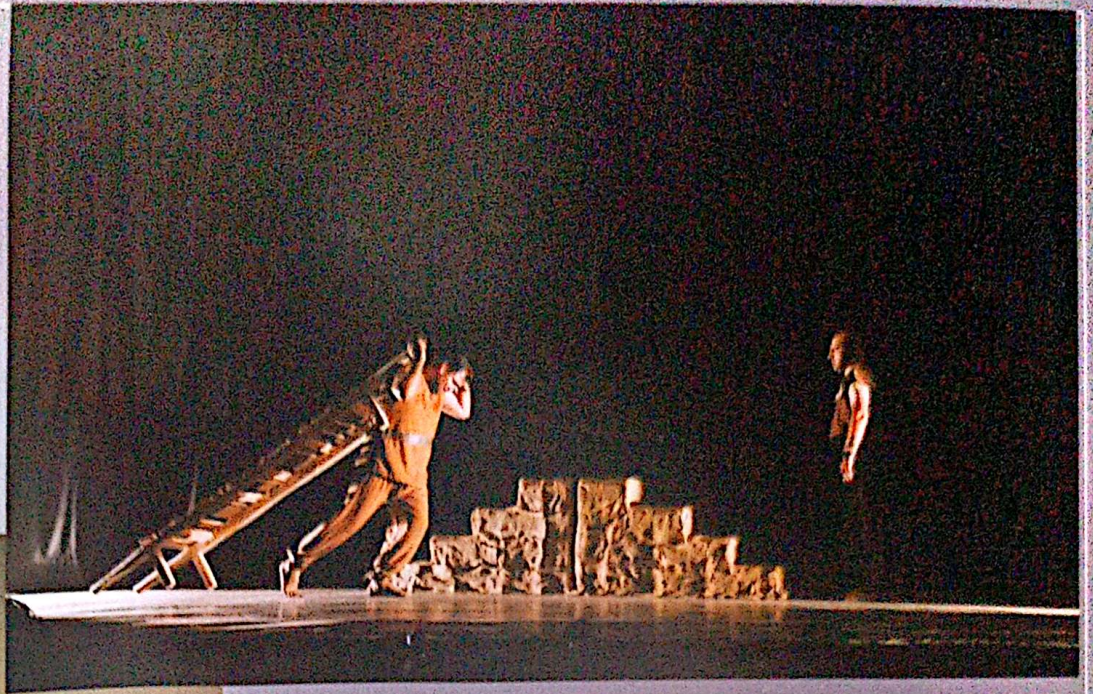
هنر تئاتر برای تداومش در میان مردم و برای توان رقابت با قدرت‌هایی همانند سینما و تلویزیون و ماهواره و محدود نشدن روزبه‌روزش به دنبال آرایه‌ی پیشنهادهای تازه برای پررنگ شدن صحنه است و در آن بازیگری، شیوه‌ی اجرا و صحنه‌آرایی از جمله‌ی این موارد است که این تحولات بنیادین را به سمت اتفاقات تازه سوق می‌دهد متأسفانه در این نمایش شیوه‌ی اجرایی نامعلوم و نامتعارف با متن دیده می‌شود و کارگردان تکلیفش با متن مشخص نیست و گاهی بی‌هدف حرکتی را به اجرا می‌گذارد. ترجمه‌ی این اثر توسط زاهد آرمی یکی از نقاط قوت اثر بود و ایشان توانسته بود ترجمه‌ی قابل قبول آرایه دهد. کارگردان در تمهید طراحی صحنه دچار اشتباه شده بود و طرح اجرایی مناسب این اثر نبود و می‌توانست تمهیدی مناسب‌تر برای کار برگزیند. در صحنه عقابی را شاهدیم که هیچ نمادی از عقاب را با خود یدک نمی‌کشد و در تمام نمایش تنها در پایان چند بال به نماد پرند می‌زند و با توجه به ایفای این نقش توسط پیشکسوت تئاتر سقر انتظار بیشتری می‌رفت و ایشان می‌توانست خلق موقعیت‌های بسیاری بنماید.

ناهماهنگی در نور نیز یکی از عواملی بود که به شدت کار را رنج می‌داد و شیوه‌ی کار کارگردان و استفاده از عوامل و بازیگران بسیار یکی دیگر از دلایلی بود که کار نتواند موفقیت آن‌چنانی داشته باشد زیرا که عوامل و بازیگر زیاد وظیفه‌ی کارگردان را دوچندان می‌کند. در این‌جا سؤالی مطرح است با توجه به این‌که اسماعیلی سال‌هاست در شیوه‌ی اجرایی فرم کار می‌کند خلق و اجرای فرم‌ها و حرکات نمایشی ایتیک توانسته بود در خدمت کار باشد؟ در این میان بازی بازیگران نقش‌های پرستو، کلاغ و بو قلمون ستودنی بود و برای لحظاتی حس پرند بودن را در آن‌ها دیدیم. کارگردان در تعویض صحنه‌ها می‌توانست تکنیک مناسب‌تری به کار برد و بیشتر در این حوزه تلاش می‌کرد و گاهی از سطحی‌نگری و سخت‌گیر نبودن پرهیز می‌کرد. در پایان با توجه به کارنامه‌ی چندساله‌ی کارگردان، انتظار کار بهتری از ایشان می‌رفت. امیدوارم در آینده هم‌چون سابق شاهد کارهای خوب و در شأن از ایشان باشیم.

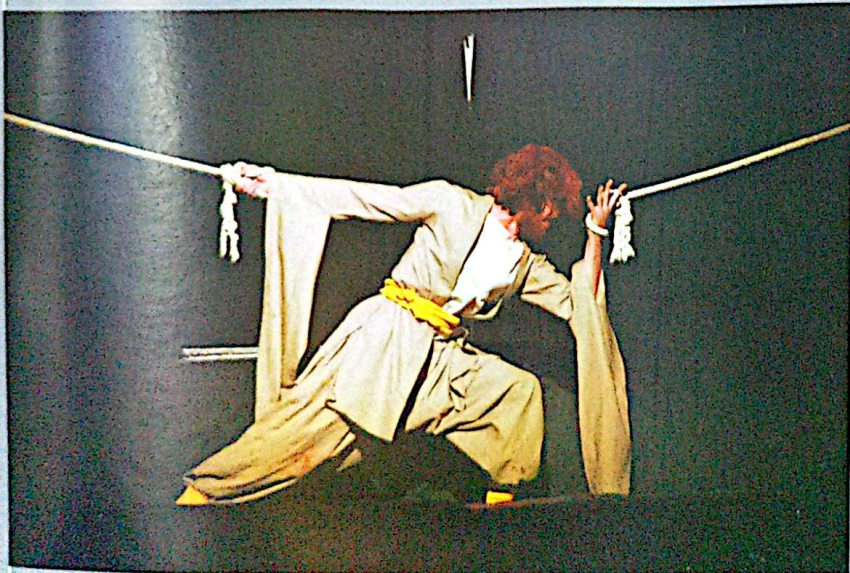
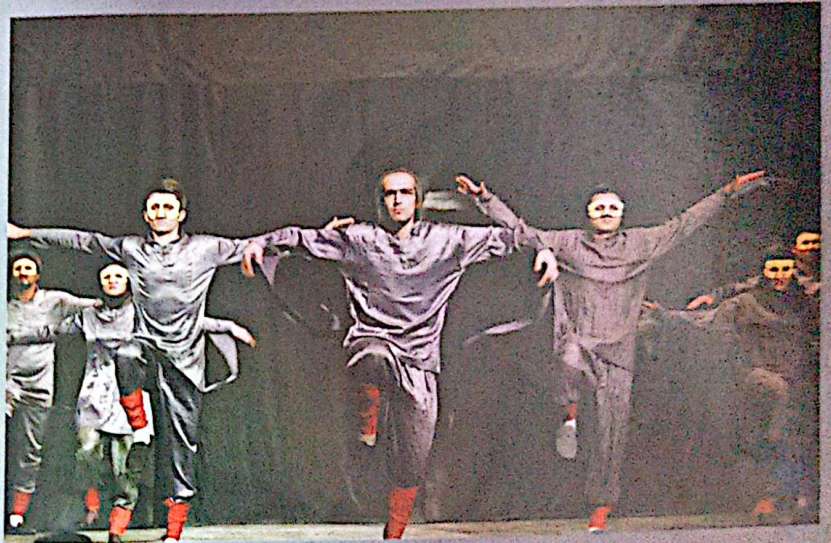
امیر زارع‌زاده

میزبان من از من خواستند تا نظرم را درباره‌ی جشنواره‌ی تئاتر کوردی کمی به باور من، عنوان «تئاتر کوردی» از برخی سوءبرداشت‌ها و یا تمایزها صبراً نیست و شاید بشود در نام آن تجدیدنظر کرد. زمانی که تئاتر کوردی سخن می‌گوییم، با پدیده‌ای متفاوت از «موسیقی کوردی» یعنی کوردی» مواجهیم. پدیده‌های هنری شاخصی مانند موسیقی و یک موزون منطقه‌ی کوردستان از دیرباز در این دیار حضور داشته‌اند و اصل واقعی و دیرپای این سامان به شمار می‌روند، حال آن‌که تئاتر در نیمه‌امروزیتش پدیده‌ای است وارداتی که اطلاق نام کوردی، فارسی یا به نام دیگری به آن با هدف بومی‌سازی‌اش، می‌تواند مناقشه‌برانگیز باشد. بی‌شک استوار به آیین‌های نمایشی کهن‌سال هم‌وطنان کورد خود نیز و باورم این است که پدیده‌ای تحت عنوان «نمایش کوردی» نه تنها بی‌مورد و محترم است، بلکه باید به شدت مورد حمایت و تشویق قرار گیرد. مردم این است که گردآوری، تحلیل و نمایشی کردن اسطوره‌ها، باورها، رنگ عامه، قصه‌ها و مثل‌های کوردی به منظور آماده‌سازی آن‌ها برای برابر روی صحنه می‌تواند زمینه‌ساز شناخت عمیق‌تر سایر ایرانیان نسبت به هم‌وطنان کورد خود باشد. به باور من، گردآوری این داده‌های بومی و تحلیل آن‌ها در چهارچوب‌های نوین علمی - مانند دانش نوحاسته‌ی فلسفه‌شناسی فرهنگی - برای استانی که با تاریخ دیرپای خود، عرصه‌ای غنی و شگفت از توانایی‌های نمایشی را خاموش و بی‌صدا به آغوش نرفته است، ضرورتی انکارناپذیر است. نگارش آثار نمایشی به زبان کوردی اگرچه کارگردانی آن‌ها با در نظر گرفتن باورها و آیین‌های مردم کورد، به همراه و بسازی خرده‌فرهنگ‌هایی که به سرعت در عصر ارتباطات به بوته‌ی خطر تبدیل‌اند، رسالتی است که به یاری خداوند باید توسط هنرمندان عرصه‌ی هنری نمایشی این منطقه جامه‌ی عمل ببوشد.

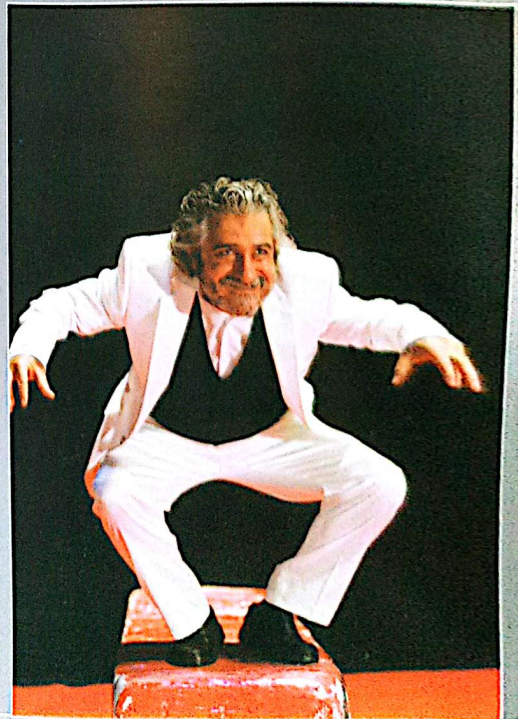
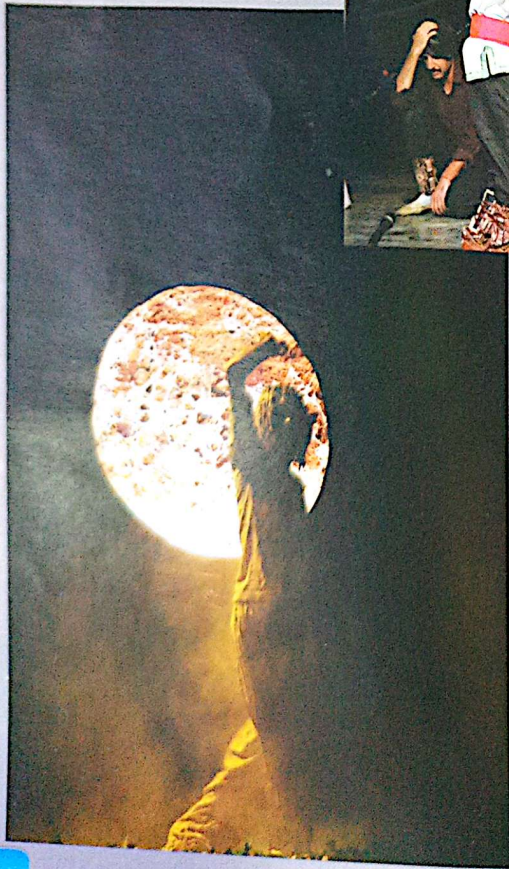
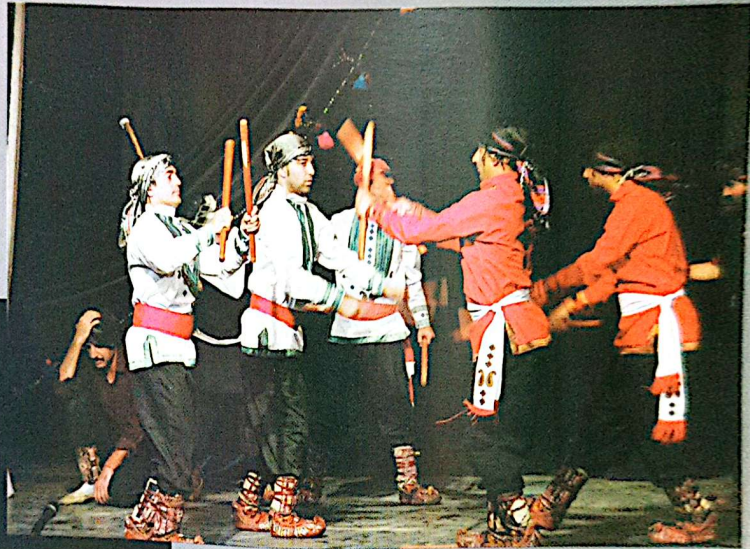
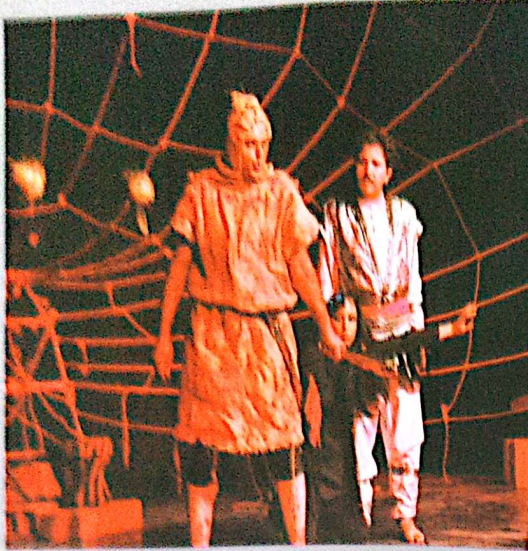




## جشنواره به روایت تصویر









## اعضای اصلی و کمیته های ستاد برگزاری جشنواره

- ۱ - عبدالمحمد زاهدی، استاندار و رئیس شورای سیاست گذاری جشنواره
  - ۲ - نادر فخری، فرماندار و رئیس ستاد اجرایی جشنواره
  - ۳ - حجت الاسلام والمسلمین رحیم جعفری، مدیر کل و دبیر جشنواره
  - ۴ - جلال قلعه شاخانی، قائم مقام دبیر جشنواره
  - ۵ - هیوا حاجی محمدی، دبیر اجرایی جشنواره
  - ۶ - سیدعباس سیدشکری، مسئول کمیته حراست
  - ۷ - اسماعیل پاشایی، مسئول دبیرخانه جشنواره
  - ۸ - علی رضا اسماعیلی، مسئول کمیته فرهنگی و هنری
- اعضای کمیته: سالار سلطان پور، پدرام نیلوفری، مصطفی یاسینی، هاوری رضایی، کیانوش کریمی، وریا شاکری، امین صادقی، سامان داروند، هیوا اسدیگی، سارو کریمی، فردین ابوالمحمدی، هژیر صبرجو، یوسف شیرعلی، منصور فتحیان، نازیلا امینی، خالد سعیدپور
- ۹ - صلاح محمدی، مسئول کمیته علمی و پژوهشی
  - اعضای کمیته: مسعود راشدی، مهدی مرادی، محمد عبادی
  - ۱۰ - محمد زارعزاده، مسئول کمیته اسکان و پذیرایی
  - اعضای کمیته: محسن محمدی، سامان امینی، امیر امین پور، آرام بردبار، امجد خدایی، زینب رضوانی، مفیده زارعزاده.
  - واحد حمل و نقل: حسین بهره، بهزاد فاروقی، لقمان عبداللهزاده، امین امین پور، سارو رحیمی
  - ۱۱ - ادریس دلارامی، مسئول کمیته روابط عمومی
  - اعضای کمیته: ژینوس حسینی، سامان سقائی، کامبیز زارع، سلیمان بهادر
  - ۱۲ - داریوش رفعتی، مسئول کمیته هماهنگی و رصد اجراهای عمومی
  - ۱۳ - سامان سیدابراهیمی، مسئول کمیته بولتن
  - اعضای کمیته: ژایلا رحیمی، رضا رحیمی، زاهد آرمی، کاوان فتحی، اقبال رشیدی، هیمن حیدری، پرویز احمدی، امیر زارعزاده، کمال نوجوان، امید نیکروژ، امید مصطفایی، هیرو شمشادی، خالد سعیدپور
  - ۱۴ - خسرو معین افشار، نماینده اداره کل ارشاد
  - ۱۵ - کورش احمدی، ناظر فنی جشنواره
  - ۱۶ - فرزاد داودی، مسئول امور مالی جشنواره
  - ۱۷ - ماجد رموزی، روابط عمومی اداره کل ارشاد
  - ۱۸ - کارمندان اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سقز
  - عطا احمدی، عادلہ معرفت، مهتاب ویسی، عثمان چوگلی، اکبر خامه‌ای، خلیل احمدی

## ستاد اجرایی شهرستان و همکاران فرمانداری سقز

- ۱ - مهندس اسماعیل رستم پور، مسئول کمیته اسکان و تشریفات
- ۲ - مهندس زارعی، پشتیبانی و حمل و نقل
- ۳ - ابراهیم محمدحسینی، اطلاع رسانی و مستندسازی
- همکاران ستاد اجرایی در شهرداری
- ۱ - مهندس ضیاء نعمانی، شهردار
- ۲ - مهندس رحمان پور، رئیس شورای اسلامی شهر سقز
- ۳ - سایر اعضای شورای اسلامی شهر سقز

## پوزش

بدین وسیله از اشتباه تاپیی به وجود آمده در درج نام استاندار محترم کردستان جناب آقای عبدالمحمد زاهدی تحت عنوان عبدالصمد زاهدی پوزش می طلبیم.

بولتن





دبیرخانه دائمی چشمواره  
تئاتر کردی سقز



دفتر هنرهای نمایشی سقز



اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی  
شهرستان سقز



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد سقز



فرمانداری ویژه  
شهرستان سقز



اداره کل هنرهای نمایشی



استانداری کردستان